از ادیب طوسی

ترانه‌های محلی

بنوینست ایرانشناس معروف ترانهای عامیانهٔ ایرانی را از بقایای شعر هجائی عهد ساسانی دانسته معتقد است که با دقت وبررسی در این ترانها میتوان بمشخصات شعر عهد ساسانی پی‌برد .

ما نیز بانظریهٔ اوموافقیم زیرا ازتوجه و بررسی در این ترانها دریافته‌ایم که اوزان آنها ازعروض عرب گرفته نشده و بجهات زیر باید از بقایای شعر هجائی قبل از اسلام باشد :

اول ـ بیشتر این اوزان بایك آهنك در نواحی مختلف ایران‌و میان توده‌های عوام وصحراگرد متداولست وباتوجه بدوری فاصله‌و عدم ارتباط که تاچندی پیش میان این‌طوائف موجودبوده برما روشن میشودکه ممکن نیست مردم این نقاط این قبیل اوزان را ازیکدیگر گرفته باشندو ناچار باید معترف شویم‌که هریك از این طوائف جداگانه ازقدیم با این اوزان آشنائی داشته وآنرا از نیاکان خود بارث برده‌اند .

دوم ـ شباهت ویکنواختی این‌آهنگها نشان میدهدکه‌دارای یك منشأند وآن منشاء بعلل زیر نمیتواند عروض عرب باشد :

۱ ـ غالب این اوزان باعروض منطبق‌نمیشود وبنای وزنشان چنانکه‌خواهیم دید بر تعداد وتوازن تکیه وهجا قرار دارد و در واقع حد فاصل میان شعر هجائی مطلق وشعر عروضی است واگر بنای اقتباس میبود ناچار اوزان عروضی را انتخاب میکردند نه چنین آهنگهای نیمه عروضی یا هجائی ، مخصوصاً که‌معمول نیست تودهٔ عوام‌که باادبیات سروکار ندارد اصول متداول ملی خودرا بدون جهت ترك گفته‌واین شیوهٔنظم‌را در مقابل عروض عرب ابداع کند (۱)

---

(۱) ـ رك: کتاب‌تحقیق‌انتقادی درعروض فارسی تالیف‌دکتر خانلری ازصفحه ۳ تا ۳۰

۲ ـ اگر بنای اقتباس ازعروض عرب میبود علتی نداشت که در همه جا آهنگهای یکنواخت ومخصوصی را که شباهت وزنی باهم دارند بپذیرند وناچار میباید این اقتباس نسبت بنقاط مختلف تفاوت میکرد وهر جا مردم برحسب ذوق و سلیقهٔ مخصوص بخود وزن مخصوصی را میپذیرفتند وتازه اگر چنین فرضی هم قابل قبول باشد میباید بگوئیم که این آهنگهای اقتباس شده یکنوع تناسب وهمآهنگی (از حیث وزن) باآهنگهای قدیم ایران داشته که مورد توجه مردم واقع شده در صورتیکه چنین نیست وناگزیریم بپذیریم که این اوزان یکنواخت ونیمه‌عروضی که در میان توده‌های ایرانی معمولست ازیك منشاء قدیم غیر عربی سرچشمه گرفته وآن منشاء جزترانهای عهد ساسانی چیز دیگری نمیتواند باشد.

سوم ـ نمونهٔ بعضی ازاین اوزان درکتب ادب که مربوط بقدیم است ذکر شده ونشان میدهد که درطی هزارسال یا بیشتر تغییری در آنها روی نداده و ماچند نمونه دراینجا میآوریم :

۱) درتاریخ طبرستان ابن اسفندیار اشعاری بلهجهٔ طبری از **مسته‌مرد** شاعر معاصر **عضدالدوله** دیلمی نقل شده (۱)

که بیت آخر آن اینست :

ناگابمن‌اوگتن یکی‌دونادون nágà beman avek tan yaki donä dün

هاگتن مر (هو) بردن ازاو بزیندون(۲) hagtan mora hobordan azä bezen dün

وزن فوق ۱۲ هجائی است که به‌نسبت ۷ و ۵ تقسیم شده و دارای هفت تکیه است (چهار در شطر اول و سه در شطر دوم) باین وزن :

ـ ـ ˘ ـ ˘ ـ ˘ ـ ˘ ـ ˘ ـ ˘ ـ

بانی نوا نوا نی بنی نوا نی

و نمونهٔ آن هم اکنون در مازندران معمول است :

(۱) ـ رك: تاریخ طبرستان چاپ تهران ۱۳۹

(۲) ـ ناگاه یکی دونادان برمن آویخته مرا افکنده بزندان بردند

ترسم تی دی ری‌آخر مربکوشه tersom tedi riä xer mera bekú ša

تی‌پیر پیل رواسی تر بروشه (۱) tepier pil baravä si tera berú ša

۲)ـ روی سنگ یکی از قبور قدیمی بختیاری این شعر کنده شده (۲)

ای حرف مواژگهم‌شنه‌بدوران éharfa moaž gehom šena bedow rän

فلامرزسرکیچیرسردارگوران(۳) felamar zesar kièir sardä regow rän

شعر فوق نیز دوازده هجائی است و بنسبت ۷ و ۵ تقسیم شده و دارای شش تکیه میباشد (در هر شطر سه تکیه) باین وزن :

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

بنوا نوا بنی بنی نوا نی

و امروزه نیز در جنوب غربی ایران و میان طوایف بختیاری ، دشتستانی شیرازی و کرمانی رواج دارد مانند این ترانه دشتی :

نکنی کلوکری شومه بیائی nakoni kalow kari šowmah biäi

خووکشتن ایدی و مورو سیائی(٤) xövakoš tani diö mörü seyäi

۳)ـ در شمارهٔ دوم مهر سال هشتم‌درمقالهٔ‌پرفسور **و. ب هنینگ** اشعاری از اندرز در متون پهلوی جاماسب‌اسانا نقل شده که‌دو بیت اول آن‌اینست:

اندرزی از داناگان andar žéaz dänä kän

از گفت پیشینگان azgof tepi šini gän

او شما بی فرزام ow šomäbi vižä rom

پد راستیه اندر زمان (٥) padräs tihan dar zamän

شعر فوق هفت هجائی است و به نسبت ٤ و ۳ تقسیم شده و دارای جهار

(۱) ـ ترسم دوری‌تو مرابکشد وپدرت‌ترا بپول بفروشد

(۲) ـ راوی مرحوم پرویز اسفندیاری عموی‌منکه‌ثریا پهلوی بوده

(۳) ـ این‌حرفرا میزنم که‌دردوران مشهور شود : فرامرز سرکوچك سردارگوران است

(٤) ـنکنی دیوانگی کنی‌و شب‌ماهتابی بیائی که‌خود بکشتن‌خواهی‌دادوموجب‌روسیاهی‌من خواهد شد.

(٥) ـ اندرزی ازدانایان ازگفتار پیشینیان برشما براستی درحال فرو میخوانم

تکیه است باین وزن : ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ و امروز این وزن در اغلب نقاط ایران متداولست مانند این ترانهٔ دشتی :

سید وری دیرایبو	saiyyed vari déià bü
او وخور و سیرایبو	ow vaxorò séra bü
وچم سرازیر ایبو	vaèam sarä zèrá bü
گایل وتی کنه رم (۱)	gäyal vati konà ram

همچنین ترانه‌های دیگر پهلوی که‌میتوان هم‌وزن آنهارا درترانهای‌محلی فعلی ایران پیداکرد و چون درضمن مطالب آینده بآنها توجه خواهیم کرد دراینجا بهمین سه‌مثال اکتفا میشود.

این امثله ونظائرش نشان میدهدکه درطی‌هزارسال ایرانی حاضرنشده‌است درآهنك ترانهای خود تغییری‌بدهد وطبعاً قبل ازآن تاریخ‌نیز چنین‌عملی صورت‌نگرفته مخصوصاً باتوجه باینکه هنوز عروض عرب درایران رواج کاملی نیافته وعامه ازآن بی اطلاع بوده‌اند .

پس بظن نزدیك به‌یقین آهنگهای ترانهای محلی ایران ازبقایای‌اوزان قبل از اسلام است .

چهارم ـ دلیل فنی دیگری نیز بر تائید نظریهٔ ما موجود میباشد و آن عبارت‌است از مشخصات کامل شعر هجائی که از منشاء ذوق‌وفطرت سرچشمه گرفته وآلوده به‌تصنع‌نیست واین‌مشخصات را بخوبی در آهنك ترانهای محلی درك میکنیم درصورتیکه اوزان عروضی پیرایهٔ‌تکلف وصنعت بخود گرفته وازمجرای‌طبیعی شعر هجائی دور افتاده است .

در هرحال ایرانی همانطورکه سایرشعائر ملی‌خودرا از قدیم محفوظ داشته آهنگهای باستانیرانیزحفظ کرده،مخصوصاًدر نقاطی ازقبیل کردستان , لرستان،مازندران گیلان، دشتستان که‌کمتر تحت‌تأثیر عوامل خارجی واقعشده وبهتر توانسته‌اند اخلاق‌و سنن و حتی زبان ولباس قدیم خودرا نگاه دارند بنا براین میتوان اذعان کرد که

(۱) سیدبرودورشو، آب‌بخورسیرشو وکنارروددخانه‌رابگیروبروکه گاوهاازتورممیکنند

ترانهای محلی از بقایای شعر قدیم ایران است وعروض عرب درآن اثری نه بخشیده

بنوینست در رسالهٔ یادگار زریران متذکر شده که اوزان محلی بااوزانیکه اززبان پهلوی باقی‌مانده بریك مبنا استوارند (۱) وبررسی اینجانب نیز این مطلب را تأئید میکند وحتی دریافته‌ام که اوزان اشعار پهلوی موجود از اوزان ترانهای فعلی خارج نیست واز نظر اصول باید تمام آهنگهای هجائی عهدساسانی در ترانهای محلی فعلی وجود داشته باشد وبلکه ظن قوی میرود که چون اشعار پهلوی برای مرده سروده میشده دارای اوزانی بوده که عامه بدان آشنائی کامل داشته‌اند وبنا براین امروزه نیز قاعدتا بایدآن آهنگها درمیان طوائف ایرانی رایج باشدزیرا ایرانی که بیشترخصائص قدیم خودرا حفظ کرده موجبی ندارد که این قبیل آهنگهارا بدست فراموشی سپرده باشد مخصوصا که میبینیم قسمتی ازآهنگهای اشعارموجود پهلوی درترانهافعلی موجود است پس برماست که این ترانها راهمیراث قدیم بدانیم وبرای پی بردن بمشخصات ترانهای عهدساسانی آنهارامورد بررسی ودقت قرار دهیم زیرا این ترانها تاحد زیادی میتواند مارابخصوصیات شعر عهدساسانی آشنا سازد.

بهمین منظور اینجانب ازچند سال قبل بجمع آوری ومطالعهٔ ترانهای محلی پرداخته‌ام ودرنتیجهٔ مقایسه آنها با یکدیگر توانسته‌ام قواعد کلی واساسی این ترانها را بدست بیاورم واین بخش که بهمین منظورنوشته‌شده نتیجهٔ قسمتی ازمطالعات اینجانب است که در معرض قضاوت دانشمندان قرار میدهم.

نکته‌ای که دراینجا لازم بیادآوریست اینکه چون دراین کتاب مقصود من بیان قواعد شعر هجائی ایران ومقایسهٔ آن بااوزان عروض معمول درایران است دراین بخش ازنقل تمام ترانه هاخود داری‌شده و درموارد لازم فقط بذکرامثله‌هائی اکتفا نموده‌ام وغالباً ازترانهای قسمت غربی وجنوبی و مرکزی و شرقی ایران مخصوصاً خراسان مثال آورده ام چه این نقاط از نظر شعر فارسی دارای موقعیت خاصی است وشعر سبك خراسانی یاعراقی درنتیجهٔ کوشش شعرای این نواحی بوجودآمده وشك نیست که وزن ترانهای اینحدود دراوزان شعر اثر بخشیده‌است چنانکه در ضمن بخشهای آینده خواهیم دید.

(۱)- la revue de l hirtoir de religions 1932 p 337

فصل اول ـ چند تعریف

قبل از آنکه باصل مطلب بپردازم لازم است برای توضیح مطالبی در اینجا گفته شود :

۱ ـ **هجا** : هجا یاسیلاب عبارتست از چندصوت که‌بیك دفعه زدن و بی‌فاصله‌شنیده شود (۱) واز حیث کمیت سه‌نوع است : کوتاه ، بلند ، کشیده

هجای کوتاه عبارتست‌ازدوحرف‌مصمت که‌در بی‌آن حرکتی کوتاه (ـَـِـُ) باشد مانند : ن (na) ب (be) تو (to)

هجای بلند عبارتست از دو حرف مصمت که میان آنها حرکتی کوتاه واقع شوده مانند : تن (tan) سن (sen) بن (bon) و یا یك مصمت که دنبال آن حرکتی کشیده آ(ā) ای(ī) او(ū) ای(ai) او(ow) واقع شود مانند : ما (ma) سی (si) رو (rū) پی (pai) جو (jav)

هجای کشیده که آن را هجای مرکب نیز میتوان نامید عبارتست از سه حرف مصمت که بعداز حرف اول یك حرکت کوتاه یا کشیده واقع شود مانند : دست ـ خشت ـ مشت یا کاشت ـ نیست ـ گوشت یا دو حرف مصمت که میانشان یك حرکت کشیده واقع شود مانند : ناز ـ دیر ـ سوز ـ قیس (ghais) ـ جور (jawr)

این قبیل هجاها درانشای ترکیب غالبا بیك هجای بلند ویك کوتاه تجزیه‌میشود ودرهرجا مخفف باشد (مخصوصا درآخر ترانها) چون جزء آخرشان کاملا بتلفظ در نمیآید درحکم یکهجای بلند میباشند مثلا این ترانه شیرازی :

اوستا بابا بزی داشت

یك بز مرغزی داشت

اگر بوزن برده‌شود هجای کشیده « داشت » که‌درآخر واقع شده بجای یك هجای بلند قرار میگیرد وباید آنرا بانصورت نشان دهیم :

اوس تابابا بزی داشت

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

(۱) :رك: کتاب تحقیق‌انتقادی درعروض فارسی ص ۵۹

یا این شعر : پشتش باش زیرش باش
پستون پر شیرش باش

که‌در تقطیع باینصورت نمایانده میشود :

پش تش باش زی رش باش
— ⏑ ⏑ — — ⏑ ⏑ —

نی بنوا نی بنوا

وکلمات پشت و زیر و شیر که‌هجای کشیده‌هستند درائنای‌ترکیب جای خودرا بیك بلند ویك کوتاه داده‌اند . و در تلفظ جزء آخرشان بکلمهٔ بعد چسبیده .

بنا براین **برای‌نشاندادن آهنگ‌ها فقط دو نوع هجای کوتاه و بلند بکار میرود وهجای کشیده بطور مستقل موجود نیست.**

علامات هجائی ـ برای نشان دادن هجا از علامات زیر استفاده میشود :

برای نشاندادن هجای بلند : —
» » » کوتاه : ⏑
برای نشاندادن هجای بلندیکه دراصل کوتاه است : ⏑̄
» » » کوتاهیکه در اصل بلند است : ⏑̆

برای‌نشاندادن‌تکیه‌وضرب که‌بر آخر پایه‌واقع‌میشود نقطه‌ای‌روی هجای‌تکیه‌دار قرار میدهیم باین‌شکل : —̇

توضیح آنکه درخواندن ترانها مواردی دیده میشود که هجای بلند سبك تلفظ شده ویجای کوتاه قرار گرفته ، همچنین هجای کوتاه سنگین تلفظ‌شده وحکم هجای‌بلند را پیدا میکند ، مانند این ترانهٔ بختیاری :

مریم‌دست بحنادستت‌تو دستم maryamè das behanä dastet tüdas tom
پل‌خزت سیم ببروادیم‌اسبم(۱) polexü tasim bebor vädi meas bom

که مصراع اول آن باینصورت تقطیع میشود :

مریم دس بحنا دستت تودس تم
— ⏑ ⏑ — — ⏑ ⏑ —

بنوا نی بنوا آوا نوا نی

(۱) ای‌مریم دست بحنا دستت‌را دردستم نه ودرعزایم موی‌خود ودم اسبم رابر

دراین آهنگ «م» آخر مریم بااینکه هجای کوتاه است جای هجای بلند را گرفته همچنانکه «تو» (درتودستم) هجای بلندیست که‌در تلفظ بصورت هجای کوتاه‌درآمده‌و بهمین جهت این دو هجا را در بالا و اصل‌شانرا درزیر نشان میدهیم (⏑ . —) ولی باید دانست که در ترانهای محلی آنچه مناط اعتبارات همان تلفظ میباشد نه‌اصل و بنا براین رعایت این اصل درهمه‌جا ضرورتی ندارد

۳ - **وزن ترانها** : وزن ترانهای محلی بستگی برتعداد تکیه‌ومحل آنها دارد وغالبا تعدادو کمیت هجانیز رعایت میشودبدین معنی که دومصراع یکترانه علاوه بر اینکه غالبا از حیث تعداد هجا مساوی میباشند ودرهردو مصراع بر روی هجاهای‌معینی تکیه وارد میشود عده این‌تکیه‌ها نیز درهر دومصراع یکی است و درمحل معینی‌از دومصراع نیز وقفه موجود است .

بنا براین هجاهای یکمصراع دروزن بچند دسته کوچك تقسیم میشود که‌هردسته به تکیه‌ای ختم شده ویك پایه را تشکیل میدهد و وزن از توالی آنهابدست میآید مثلا این ترانهٔ خراسانی :

مادر چه خبر داره
دختر چه هنر داره

— ⏑ — ⏑ — ⏑ —

آوا بنوا بانی

هر مصراع‌آن دارای هفت هجااست که بسه‌دسته تقسیم میشوند و هردسته‌دروزن دارای یك تکیه ونمایندهٔ یك پایه است که‌دربرابر دسته مقابل خود ازمصراع‌دیگرقرار گرفته

۴ - **کمیت هجا** - چنانکه گفتیم تعدادهجا معمولادردومصراع متقابل یکی است ولی‌این‌امر بطوریکه خواهیم‌دید موارد استثنائی دارد وتنها تعداد تکیه‌ومحل وقفه است که پیوسته مشخص وزن واقع میشود ودرهردومصراع متقابل بیك‌اندازه ودر محل‌معین قرارمیگیرد

دراینجا این سئوال پیش میآید که هرگاه تکیه‌های متقابل دردو مصراع‌دارای یك محل ویك وضعیت باشند لازم میآید که‌هجاها ازحیث بلندی و کوتاهی نیز دردو مصراع

متقابل یکسان ویکنواخت باشند واین‌همان شرطی است که‌دراشعار عروضی موجوداست در صورتیکه وزن ترانهاراماهجائی میدانیم‌نه‌عروضی !

جواب این‌سئوال ازتوجه بترانهای سابق روشن میشود وآن‌اینستکه درترانهای محلی غالبا کمیت هجا رعایت میشود (یعنی‌اگر مثلا دریك مصراع سه‌هجای کوتاه‌وپنج‌بلند باشددرمصراع مقابل آن‌نیز ۳ کوتاه و پنج بلند قراردارد) ولی‌لازم نیست این‌هجاها کاملا در مقابل نوع خود واقع‌شوند مخصوصاً درشطر اول دومصراع که‌حتی ممکن است از حیث کمیت هجا نیز یکسان نباشند چنانکه در ترانهٔ بختیاری گذشت و دیدیم که شطر اول دارای سه‌هجای کوتاه‌وچهار بلند بود (۱ ـ مریم دست‌بحنا ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ) و شطر مقابل در مصراع دوم چهار بلند و سه کوتاه داشت (۲-پل خوت سیم ببر ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ)

و بهمین جهت حتی محل تکیه در شطر اول نیز ممکن است در دو مصراع متقابل پس و پیش برود

بنا براین کمیت هجا تا حدی رعایت میشود که بموازنه و آهنگ ترانه خللی وارد نگردد « همچنانکه تعداد هجا نیز تابع همین حکم است » و اینکه آقای دکتر خانلری در کتاب تحقیق انتقادی (۱) آنرا شرط لازم برای ترانها تصور کرده‌اند همه جا صحیح نیست مگر اینکه تصور کنیم مقصود ایشان ترانهای تهرانی بوده نه عموم ترانها .

۵ ـ **شطر ترانه** ـ از توجه بترانهای سابق دیده میشود که در خواندن وقفه‌ای در اثنای هر مصراع وجود دارد که آنرا بدو قسمت تقسیم میکنند و محل این وقفه بپوسته‌دردومصراع ثابت‌است، مثلادرترانهٔ خراسانی‌مذکور که‌هفت هجائی‌است‌وقفهٔ آن‌در هر دومصراع‌پس‌ازهجای‌دوم واقع شده : مادر چه خبر داره ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

دختر چه هنر داره » »

همچنین ترانهای دیگر که هرکدام بسته بآهنگ خود دارای وقفه‌ای هستند و بدو

(۱) ـ رك تحقیق انتقادی ص ۳۸

شطر تقسیم میشوند بنا بر این هر مصراع از ترانه دارای دو شطر است و این دو شطر چنانکه خواهیم گفت در ترانهائی که تعداد هجای آنها زوج باشد یا مساوی هستندو یا یکی دو هجا بر دیگری تفاوت دارد و در ترانهای فردبیوسته این تفاوت یك یا سه هجا میباشد :

٦ ـ مقیاس وزن ـ کلمات پارسی درحال افراد عبارتند از یکهجائی ، دو هجائی وسه هجائی و تکیه عموماً برروی حرف آخر کلمات واقع میشود و ترانها نیز چون از این کلمات ترکیب‌شده‌اند وزن آنها از پایه‌های یکهجائی ، دو هجائی و سه هجائی تشکیل مییابد وبهمین جهت درترانها هیچگاه فاصله میان دوتکیه از دو هجا تجاوز نمیکند

بنا براین هروزنی ازچند پایهٔ (۱و۲و۳ هجائی) ترکیب یافته و میتوان آنرا بپایهای تشکیل دهنده‌اش تجزیه نمود

پایه ـ پایه‌مقیاس وزن‌است وعبارت میباشد ازیك یادو یاسه هجائیکه بیك‌ضرب با تکیه ختم شده‌باشد بنابراین‌پایه‌ازسه‌صورت‌خارج‌نیست : یکهجائی،دوهجائی‌وسه‌هجائی

۱) پایهٔ یکهجائی ـ یکهجا که‌دارای‌تکیه باشدیا کوتاهست«ـ» یابلند«—» ولی چون تکیه برآن وارد شدواگر هم کوتاه باشد ناچار دروزن بجای هجای بلند بکار میرود بنابراین بطور مطلق بیش از یك قسم پایهٔ یکهجائی موجود نیست وآن هجای‌بلند تکیه دار است که برای نشان دادن درنوشتن‌آن‌علامت«—»ودرتلفظ کلمه« نی » رابکار میبریم.

۲) پایهٔ دوهجائی ـ درپایهٔ دو هجائی چون هجای آخرآن مورد تکیه‌است بلندنشان داده میشود و نسبت بهجای اول دارای دوحالت بیش نیست : کوتاه ، بلند

اگر هجای اولش کوتاه باشد در نوشتن«ـ ـ́» ودرتلفظ به کلمه **نوا** (nava) یابنی (benai) واگرهجای اولش بلند باشد در نوشتن «— ـ́» ودر گفتن

به کلمهٔ بانی (bänai) یا آوا (ävä) نشان داده میشود (۱)

۳) ـ پایهٔ سه هجائی ، پایهٔ سه‌هجائی بسته باینکه دو هجای اولش کوتاه یا بلند باشد چهار صورت پیدا میکند :

هر دو کوتاه =	در نوشتن «ـ ـ ـ̇»		در گفتن «بنوا»
هر دو بلند =	« «ـ ـ ـ̇»	«	«آوانی» یا «نی آوا»
اول کوتاه و دوم بلند	« «ـ ـ ـ̇»	«	«نوانی»
« بلند و دوم کوتاه	« «ـ ـ ـ̇»	«	«نی نوا»

تذکر ـ چون در ترکیب پایهٔ یکهجائی ودو هجائی دنبال هم واقع میشوند باید متوجه بود که در ترانها غالبا سه صورت اخیر « سه‌هجائی » مرکبند : یا از یکهجائی ودوهجائی بلند : ـ̇ـ ـ̇ـ یا ـ ـ ـ̇ـ و یا از یك هجائی و دو هجائی کوتاه : ـ ـ̇ـ یا ـ ـ̇ـ ـ̇ـ مانند این ترانه کردی :

نازنین قربان کت بیم nä zanin ghorbä nekat bim

قربان پاوان پت بیم (۲) ghor bänè pâvâ nepat bim

که وزن آن باینصورت نشان داده میشود : ـ ـ̇ـ ـ ـ̇ـ ـ ـ̇ـ ـ̇ـ

ودروزن کلمات «نازنین» و «قربان» درمحل دو پایه (نی نوا = ـ ـ ـ) قرار گرفته همچنانکه در وزن «ن کت بیم» و «ن پت بیم» نیز در مقابل دو پایهٔ (نوانی = ـ ـ̇ـ ـ̇ـ) واقع شده و باید در موقع تقطیع ترانها این نکته را رعایت نمود.

---

(۱)ـ برای احتراز از تکرار در موقع نشاندادن وزن هرگاه دوپایهٔ دو هجائی پهلوی هم‌واقع شود کلمات **نوا** یا **بنی و بانی** یا **آوا** را بطوریکه‌دومکرر پهلوی‌هم‌واقع نشودمیآوریم مثلا برای نشاندادن «ـ ـ ـ̇ ـ ـ ـ» ترکیب نوا بنی یا بنی نوا و برای «ـ ـ ـ ـ ـ ـ» ترکیب بانی نوا یا آوابنی آورده میشود...

(۲)ـ ای نازنین قربان قدت بروم و قربان پاهای برهنه‌ات شوم

فصل دوم - اوزان ترانها

ترانهای محلی از نظر کلی دوقسم‌اند : اصلی ، فرعی

ترانهای اصلی از چهار هجائی شروع شده و به سیزده هجائی خاتمه میابد وترانهای فرعی عبارتند از ۱۴و۱۵ و۱۶ هجائی که رواج زیادی ندارند ودر واقع میتوان آنهارا بترتیب به‌دوهفت هجائی یاهشت وهشت هجائی یادو هشت‌هجائی راجع نمود چنانکه درجای خود بدان اشاره خواهم کرد.

درهر حال ترانهای اصلی جمعاً دارای ده‌وزن است که بترتیب عبارتند از «۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲و۱۳» هجائی که پنج تازوج (۴،۶،۸،۱۰و۱۲هجائی)و پنج تافرد (۵،۷،۹،۱۱و۱۳ هجائی) میباشند .

طبقه‌بندی ترانها- ترانهارا بصورتهای گوناگون‌میتوان طبقه‌بندی کرد وبهترین طرق اینستکه آنهارا از نظر شطر مورد توجه قرار دهیم .

توضیح آنکه مصراع هرترانه‌ای در موقع خواندن بوسیلهٔ وقفه‌ای‌بارزبدو شطر تقسیم میشود واین وقفه چنانکه اشاره‌شد یکی ازمشخصات اصلی وزن ترانها است . اینك برای طبقه‌بندی ترانها ازنظر شطر ، هریك از ترانهای زوج‌و فرد را جداگانه مورد توجه قرار میدهیم :

الف- ترانهای زوج-چنانکه گفتیم کوتاهترین ترانهای‌زوج‌چهار هجائی است وازنظروقفه‌هرگاه‌یك‌شطرترانهٔ چهار هجائی رایکهجا فرض کنیم شطر دیگرآن سه هجا خواهد داشت و تفاوت بین دو شطر آن ۲ هجا میباشد و اگر آن شطر دو هجائی باشد شطر دیگر نیز دو هجائی خواهد بود و هر دو شطر آن مساوی است .

حال اگر از مبدء چهار هجائی که کوتاهترین ترانهای زوج است بطرف ۱۲هجائی که بلندترین‌آنهاست (با اضافه یکهجا بهریك از دوشطر) حرکت کنیم بترتیب صورتهای زیر برای ما حاصل میشود :

شکل اول

	نوع اول		نوع دوم		فاصله بین دو
	شطر اول	شطر دوم	شطر اول	شطر دوم	شطر
چهار هجائی	١ هجا	٣ هجا	٣ هجا	١ هجا	٢ هجا
شش هجائی	٢ »	٤ »	٤ »	٢ »	» »
هشت هجائی	٣ »	٥ »	٥ »	٣ »	» »
ده هجائی	٤ »	٦ »	٦ »	٤ »	»
دوازده‌هجائی	٥ »	٧ »	٧ »	٥ »	»

شکل دوم

شطر اول	شطر دوم	دوشطر
٢ هجا	٢ هجا	مساوی
٣ »	٣ »	»
٤ »	٤ »	»
٥ »	٥ »	»
٦ »	٦ »	»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از توجه‌بدوجدول فوق معلوم‌میشود که درترانهای زوج دو شکل موجود است : درشکل اول پیوسته تفاوت بین دوشطر دو هجاست ودر شکل دوم دوشطر مساوی هستند . بنابراین بطور کلی باید گفت **که در ترانهای زوج یادو شطر مساویند ویایك شطر دوهجا برشطر دیگر علاوه دارد**

اینك برای هر یك از اوزان فوق مثالی ذکر میکنم :

۱) چهارهجائی - ترانهٔ چهار هجائی زیاد معمول نیست و غالباً در ضمن ترانهای پنج هجائی بمصراعهائی چهار هجائی بر میخوریم معذلك دو سه نمونهٔ چهار هجائی بدست آمده که ذیلا میآوریم:

مثال‌شکل اول : به‌نسبت ۱ و ۳

خراسانی : دز دنادون = ـ̣ ـ ̣ ـ ـ

زد بکادون

در ترانهٔ فوق وقفهٔ بارز پس از هجای اول است و به نسبت ۱ و ۳ تقسیم شده : ـ̣ ـ ̣ ـ ـ = نی نوا نی

به‌نسبت۳و۱

تهرانی : لاشه‌لا شه läšalä ša

آش‌ما شه äšemä ša

آش‌آ لو äšeä lu

بالوا شه bälavä ša

در ترانهٔ فوق وقفه پس از هجای سوم واقع شده و بنا بر این شطر اول ۳ و شطر دوم ۱ هجا دارد = ـ ـ ـ ̣ ـ ـ ̣ ـ بنوا نی

مثال‌شکل دوم : به‌نسبت ۲ و ۳

یك لغز معروف : وقت سحر = ـ ـ ـ ̣ ـ ـ ̣

نزدی کشام

اشتر بمرد

ازلا غری

از بس که پی

بسیا رداشت

در این ترانه وقفه در وسط واقع شده و آنرا بدو شطر متساوی تقسیم کرده

۴)ـشش‌هجائی ـ این نوع ترانه نیز کمتر رواج دارد و معمولا درضمن ترانهای پنج هجائی یا هفت هجائی بمصراعهائی شش هجائی برمیخوریم ولی‌نمونه‌هائی بطور مستقل نیز از آن میتوان یافت :

مثال شکل اول : به نسبت ۲ و ۴

تهرانی : اون آقا خروسه = ـ ـ ˙ ـ ˙ ـ ˙ ـ

بنگر چه ملوسه

بالاش که‌قشنگه

پراش آلا پلنگه

در ترانهٔ فوق وقفهٔ بارز پس از هجای دوم است و بنا براین شطر اول ۲ و شطر دوم ٤ هجا دارد

به نسبت ۴ و ۲

خراسانی : لاته لاته بوره = ـ ˙ ـ ˙ ـ ˙ ـ ˙

چشم راستش کوره

خوراکش بلغوره

در ترانهٔ فوق وقفه پس از هجای چهارم است و به نسبت ٤ و ۲ تقسیم شده:

مثال‌شکل‌دوم : به نسبت ۳ و ۳

خراسانی : حسن کله‌خردو — hasankel laxor dü

بیمد بار دو — biyamad beor dü

برفتم بجنگش — beraftom bejan ge§

بزدم پالهنگش (۱) — bezadompä lehan ge§

شعر فوق به‌نسبت ۳ و ۳ تقسیم شده : ـ ˙ ـ ˙ ـ ˙ یا ـ ˙ ـ ˙ ـ ˙

نوا نی نوا نی بنوا نوا نی

(۱) ـ حسن‌سر کوچك باردو آمدمن بجنگش رفتم‌و با لهنگش زدم

تذکر ـ نمونهٔ شش هجائی در آثار گذشتگان موجود است:

۱ ـ در کتاب المسالك ابن خرداذبه دوبیت **بعباس طرخان** نسبت داده شده که مصراع دوم شعر دوم آن شش هجائی است :

از شاش ته بهی

همیشه ته خهی (۲)= ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

۲ ـ در تاریخ طبرستان یك شعر شش هجائی آمده که بظن قوی ازآثار قبل از اسلام است :

tonahaš tar berbüm تنه هشتر بربوم

bedaliri azsüm بدلیری ازسیم

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

۳)ـهشت هجائی ـ نوع هشت هجائی در ترانهای ایرانی رواج کامل دارد و میتوان گفت پس از ده هجائی و هفت هجائی از تمام اوزان رائج‌تر است

مثال شکل اول : به نسبت ۳ و ۵

خراسانی : وقت کار قرش میبه va8tekär 8ereš miáyá

وات خو هرش میبه va8texow hereš miáyà

در شعر فوق وقفه پس از هجای سوم است و بنسبت ۳ و ۵ تقسیم شده :

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ = نی نو بنی نوا نی

به نسبت ۵ و ۳

شیرازی : دو هزاری نو حاج آقا = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

توی باغ نو حاج آقا

وردار وبدو حاج آقا

در این ترانه محل وقفه پس از هجای پنجم است و برخلاف ترانهٔسابق شطر پنج هجائی دراول وسه هجائی درآخرمیباشد

(۱) ـ تواز چاچ بهتروهمیشه نیکی (رك: کتاب المسالك الممالك ابن خرداذبه چاپ لیدن ص۲٦)

مثال شکل دوم : به نسبت ۴و۴

این نوع ترانه رواج بیشتری دارد :

خراسانی : هرچی دره ببر دره = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

ببغجه دس تخر دره (۱)

تذکر ـ نمونهٔ ترانه‌های هشت هجائی در کتب ادب آمده :

۱ ـ آقای دکتر خانلری در کتاب خود (۲) یك مصراع هشت هجائی پهلوی نقل کرده که ماخذ آنرا ننوشته‌اند :

قباذ اندر کبوذی بوذ (۳) ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

۲- یك مصراع از سرود کرکوی که در تاریخ سیستان آمده هشت هجائی است (٤)

بآفرین نهاده گوش = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

٤) ـ **ده هجائی :** ترانهای ده هجائی تقریباً رائج‌ترین اوزان است و در تمام نقاط ایران نمونهٔ آنرا میتوان یافت

مثال شکل اول : به‌نسبت ۴ و ٦

خراسانی : از او مترس که هایهودره ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

ازاو بترس که سر بتو دره

در شعر فوق وقفهٔ بارز پس‌از هجای چهارم است و بدوشطر ٤و٦ هجائی تقسیم شده

به نسبت ٦و۴

شیرازی : ایخدا ایخدا شو گرفته = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

چشمون یار من‌خو گرفته

---

(۱) ـ هرچه‌دارد در برش‌دارد و در بغچه دست‌خرد دارد

(۲) ـ رك : کتاب تحقیق انتقادی ص ۲۰

(۳) - قباددر سبدی بود

(٤) ـ برای تمام‌اشعار بذیل‌هفت‌هجائی‌ازهمین‌مقاله رجوع شود

در ترانهٔ فوق وقفه پس از هجای ششم است و بدو شطر ٦ و ٤ تقسیم شده

مثال شکل دوم : به نسبت ٥ و ٥

بختیاری : یودر دپیله موپیل ندارم yodar depilà mopil nedärom

الا کرم بك زیدمین کارم (١) allà karam bak zaidmi nekäron

ترانهٔ فوق بدو شطر پنج هجائی تقسیم شده و این فرم ده هجائی باوزان مختلف در بیشتر نقاط ایران رواج دارد : ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

بنی نوانی بنی نوانی

یادآوری : نمونهٔ ده هجائی در کتب ادب آمده :

١ـ اشعاری که بنام **امیری پازواری** فراهم آمده (٢) شامل قسمتی از ترانهای قدیم مازندرانی است و در ضمن آنها اشعار ده هجائی نیز دیده میشود مانند این شعر :

شش درم دونه کترار کورنه šeš daram dünà keträr kürné

رعیت گدا کدخدار کورنه (٣) raaiyat gedä kadxodär kürnè

وزن شعر فوق اینست : ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

٢ ـ عبارتی در مجمل التوارایخ از همدان نامه نقل شده که هم میتوان آنرا شعر پنج هجائی شمرد وهم ممکن است ده هجائی باشد (٤)

بهمن کمر بست باروجم کرد

دارای دارا گرداهم آورد (٥) ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

٥ - **دوزده هجائی** ـ این وزن در نقاط جنوبی وجنوب غربی و مازندران رواج کامل دارد.

---

(١) ـ این کار پول است ومن پول ندارم ، الله کریك میان کار من دوید

(٢) ـ رك: واژه نامه طبری تالیف صادق کیا ص ٢٠

(٣) ـ شش درم برنج کمچه نمیخواهد ورعیت گدا را کدخدا لازم نیست ـ (رجوع شود به مجله سخن سال دوم)

(٤) ـ رك : مجمل التواریخ چاپ خاور ص ٥٢١

(٥) ـ بهمن کمر بست و بارو برایم ساخت ودارای دارا مرا بصورت شهر در آورد (؟)

مثال شکل اول : به نسبت ۵و۷

جنوبی : ایوان بلندو کفترشیرازی

عاشق شده‌ای چرا کلوخ میندازی

عاشق‌نشوی که عاشقی بدبخت است

گاهی ببینی گاهی نبینی سخت‌است

درشعر فوق **وقفهٔ بارز** پس‌از هجای پنجم است وبه‌نسبت ۵ر۷ تقسیم‌شده **به نسبت ۷ر۵**

دشتی : چکنم واو خداسی کربیکس **èekonom vaü xodä,sikorè bikas**

ملث پیل ناروا دو درزدم پس (۱)

melsepi lenä ravâ,dodar zadom pas

در ترانهٔ فوق وقفه پس ازهجای هفتم است وبرعکس ترانهٔ سابق به‌نسبت ۷و۵ تقسیم شده :

بنوا بنی نوا نی بنوا نی

مثال شکل دوم : به نسبت ٦و٦ :

تهرانی : حاجی عبا بدوش میرزاقلمدون

هنوزصبح‌نشده افتاده‌تو میدون

در مصراع دوم این شعر وقفه پس‌از هجای ششم است و بدو شطر شش هجائی تقسیم شده :

تذکر ـ نمونهٔ ترانهای ۱۲ هجائی درآثار گذشتگان موجود است:

۱ ـ قسمتی ازاشعار درخت آسوریك ۱۲ هجائی‌است مانند این شعر(۲)

درختی رستت تراوشتروآسوریك **darxtè rostest tarow §atrow âsü rik**

(۱) ـ چکنم بآن‌خدامن‌جوان بیکس که‌دخترمانندپول‌قلب‌مراپس‌زد

(۲) ـ رك: سبك‌شناس جلداول‌ص۱۰۸

۲ - در قابوسنامه باب بیستم این شعر آمده (۱)

ćenin genà dünä,kebevin harzünà چنین گنه دونا که بوین هرزونه

begûr xota naxosà,onkas bexü ná (۲) بگور خته نخسه آنکس بخونه

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

۳ - در تاریخ طبرستان اشعاری به **مسته‌مرد** نسبت داده شده که ۱۲ هجائی است ودو بیت آخر آن نقل میشود (۳)

äyenbiem yaki šow mast hobimü nes آین بیم یکی شو مست هوبی مونس

badây šamsi harästün del···ikas (٤) بدای شمسی هراسون دل دنمه‌ای کس

ناگا بمن اوگتن یکی دونادون

هاگتن مر(هو) بردن از او بزیندون (۵) ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

ب - ترانهای فرد - کوتاهترین ترانهای فرد پنج هجائی است که از دو نوع خارج نمیباشد : بدین معنی که اگر یك شطر آنرا یکهجائی فرض کنیم شطر دیگرش چهار هجائی خواهد بود وتفاوت بین دو شطر ۳ هجاست واگر یکشطر دوهجائی باشد شطر دیگرش سه هجائی خواهد بود وتفاوت بین دو شطر یکهجا است

حال اگر ازمبدء پنج هجائی بطرف ۱۳ هجائی حرکت کنیم(با اضافه یك هجا بهریك ازدو شطر) اوزان ترانه‌های فرد به‌ترتیب زیر بدست میآید:

---

(۱) - (رك:چاپ سعید نفیسی)

(۲) - دانا چنین گوید که در هرحال آنکس که بگور میخوابد بخانه نخواهد خوابید

(۳) - تاریخ طبرستان چاپ تهران جلد اول ص ۱۳۹

(٤) - بنظر اینجانب کلمه «دنمه» مخدوش است وشاید «نبی» بمعنی نبود یا چیز دیگر شبیه بآن بود. وکلمه «هراسون» در نسخه چاپی نیست و باتصرف از اوزان نامهٔ طبری گرفته شده (رك:ذیل ص ۱۱)

(۵) - این شعر در مقدمه ذکر شده ومعنی شعر اول اینست : یك شب مست وبی مونس میآمدم و بجز از شمس از کسی دلم اهراس نبود

شکل اول

وزن	نوع اول				نوع دوم				تفاوت بین دو شطر
	شطر اول		شطر دوم		شطر اول		شطر دوم		
پنج هجائی	۱	هجا	٤	هجا	٤	هجا	۱	هجا	۳ هجا
هفت «	۲	«	٥	«	٥	«	۲	«	« «
نه «	۳	«	٦	«	٦	«	۳	«	« «
یازده «	٤	«	۷	«	۷	«	٤	«	« «
سیزده «	٥	«	۸	«	۸	«	٥	«	« «

شکل دوم

وزن	نوع اول				نوع دوم				تفاوت بین دو شطر
	شطر اول		شطر دوم		شطر اول		شطر دوم		
پنج هجائی	۲	هجا	۳	هجا	۳	هجا	۲	هجا	۱ هجا
هفت «	۳	«	٤	«	٤	«	۳	«	« «
نه «	٤	«	٥	«	٥	«	٤	«	« «
یازده «	٥	«	٦	«	٦	«	٥	«	« «
سیزده «	٦	«	۷	«	۷	«	٦	«	« «

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از توجه بدوجدول فوق معلوم میشود که **ترانهای فرد عموما ازدوشکل خارج نیستند وتفاوت بین دوشطر آنها عموما یك و یا سه هجا است**

۱ - پنج هجائی، نمونهٔ پنج هجائی دربیشتر نقاط ایران یافت میشودولی رواج کامل ندارد :

مثال شکل اول : به‌نسبت۱و۴

خراسانی : آش ز قره ä še zaßara

هر کی بخوره har kibexora

ده در میره dom darmiyara

ترانهٔ فوق نمونه‌ایست‌از این نوع که‌بدست اینجانب رسیده وهمچو بنظرمیرسد که در نقاط دیگر نیزنمونه‌ای ازآن بتوان یافت ووزن آن اینست : ـ ˙ ـ ˙ ـ ـ

به نسبت ۴ و ۱

این ترانهٔ معروف درلهجه های جنوب شرقی :

ز بعد هفتاد ـ ˙ ـ ˙ ـ ˙ ـ =

یه برفی افتاد

بحق این پیر

بقدر این میل

در این ترانه وقفهٔ بارز پس ازهجاهای چهارم است : شطراول ٤ و شطر دوم یکهجا دارد .

مثال شکل دوم به‌نسبت ۲و۳

کرمانشاه : دسمال کردی : ـ ـ ˙ ـ ـ ـ

دلم را بردی

رفتی کرمونشا

ما را نبردی

در ترانهٔ فوق شطر اول ۲ و شطر دوم سه هجا دارد

به‌نسبت ۳و۴

تهرانی:تاب تاب خمیر ـ ـ ˙ ـ ˙ ـ =

شیشه بر پنیر

دست کی‌تو کار

دست امیـر

در این ترانه برعکس ترانهٔ سابق شطر اول سه و شطر دوم دو هجائی است

تذکر ـ نمونهٔ پنج هجائی درعبارت همدان نامه گذشت

۶)ـ هفت هجائی : این وزن رواج کاملی دارد ودرتمام نقاط ایران نمونهٔ آنرا میتوان یافت

مثال شکل اول به‌نسبت ۳و۵

خراسانی : عطاری ومطاری : — ⏑ – ⏑ ⏑ – ⏑ – –

شیشه بر کمر داری

ای بلبل زنگاری

در ترانهٔ فوق شطر اول دو و شطر دوم پنج هجا است

به‌نسبت ۵ و۲

تهرانی : محصول کنه‌شانوت

مال وطنه شانوت : — ⏑ – ⏑ ⏑ – ⏑ – –

مثال شکل دوم : به‌نسبت ۳ و ۴

تهرانی : زیر گنبد کبود : — ⏑ – ⏑ ⏑ – ⏑ –

حاج بابا نشسته بود

ترانهٔ فوق به‌نسبت ۳و۴ تقسیم شده

به نسبت ۴و۳

شیرازی : اوستا بابا بزی داشت = — ⏑ – ⏑ ⏑ – ⏑ – –

یك بز مرغزی داشت

هر کی میدید توصحرا

بهش میگفت ماشالله

در وزن فوق شطر اول ۴و شطر دوم سه هجائی است

تذکر ـ نمونهٔ هفت هجائی درآثار گذشتگان موجود است :

۱ ـ ترانه هفت هجائی که قسمتی ازآن درمقدمه ازاندرزدرمتون پهلوی استانقل شد :

اندرزی از داد کن = ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

۲ – ترانهٔ **یزید بن مفرغ** مربوط بأواسط قرن اول هجری (۱)

آب است و نبیذ است

عصارات موید است (؟)

سمیه رو سپید است = ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

۳ – یکشعر در **المسالک ابن خرداذبه** به بهرام گور نسبت داده‌شده که مربوط بقرون اولیه اسلام و شعری هفت هجائی است (۲)

منم شیر شلمبه

منم ببر گله = ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

٤– ترانه‌ای از اطفال بلخ که طبری در حوادث سال ۱۸۰ هجری آورده (۳)

از ختلان آمذیه

برو تباه آمذیه

خشك و نزار آمذیه = ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

۵ – قسمتی از سرود **کرکوی** که در تاریخ سیستان آورده شده (٤)

فرخته با داروش

خنبده گرشاسب هوش

همی بر است از جوش

انوش کن می انوش

که دی گذشت و دوش

دوست بدا گوش

بآفرین نهاده گوش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(۱) – رك : شماره پنجم سال پنجم مهر مقاله شعر در ایران

(۲) – رك : المسالك الممالك چاپ لیدن ص ۱۱۸

(۳) – رك : تاریخ طبری چاپ مصر جلد هشتم ۱۹۰ – ۱۹۱

(٤) – رك : شماره سوم مهر سال پنجم ص ۲۱۹

همیشه نیکی کوش ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

شاها خدایگانه

به‌آفرین شاهی ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

۶ – شعری **بعباس‌طرخان** نسبت داده‌شده که بیت اول آن هفت هجائی است (۱)

سمر کند گندومند

بذ یت کی اوفکند ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

۳) – **نه هجائی** - این وزن رواجی ندارد و در ضمن اشعار هشت هجائی و ده هجائی دیده میشود ولی نمونه‌هائی از آن نیز در دست است :

مثال شکل اول : به‌نسبت ۳ و ۶

خراسانی : لی‌لی‌گولی‌لی‌گولی‌لی‌گو lèligow lèligow lèligow

ورجستم بالای مده‌گو (۲) warjastom bàläye mada gow

در شعر فوق وقفه پس‌از هجای سوم است : – – ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

به نسبت ۶ و ۳

تهرانی : حاج‌آقا از زنش شکاره – – ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

بسکه کارش ادا اصفاره

در این ترانه بر خلاف سابق وقفه پس‌از هجای ششم واقع است :

مثال شکل دوم : به‌نسبت ۴ و ۵

تهرانی : خونهٔ بابا نون انجیره : – ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

خونهٔ‌شورچوب‌وزنجیره

در ترانهٔ فوق شطر اول چهار هجا و شطر دوم پنج هجا دارد :

به نسبت ۵و۴

(۱)- رك : المسالك ابن‌خرداذبه چاپ‌لیدن ص۲۶

(۲)- این شعر درموقع یك‌نوع بازی‌خوانده‌میشود

تهرانی : ستاره کوره ماه نمیشه = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

ای‌شازده لوچه شاه نمیشه

این ترانه بر خلاف ترانهٔ سابق شطر اولش پنج هجائی است :

تذکر ـ نمونهٔ نه هجائی قدیم شاید این ترانه باشد که در مجمل التواریخ (۱) **بهمای جهر آزاد** نسبت داده شده :

بخور(ی)بانوی‌مهربان = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

هزار نوروز مهرگان

۴) ـ یازده هجائی ـ ترانهٔ‌یازده هجائی‌درمیان طوائف کرد معمول است‌ودر سایر نقاط نیز مخصوصاً بصورت فهلویات رواج کامل دارد

مثال شکل اول : به‌نسبت ۴ و ۷

مازندرانی : نماشته سردشته بییه روشن **nemäš tosardaš tababi yàrüšan**

امیر و گهربردن گوه بدوشن (۲) **amirogohar bürdan govà bedü šan**

در این ترانه شطر اول چهار و دوم هفت هجائی است :

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ = بنی نوا نی بنوا نوا نی

به نسبت ۷ و ۴

اطهباناتی : اومدم‌اش ببرم‌اش نمیاد = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

زن عمو کش گکپش کن که‌بیاد (۳)

در شعر فوق بر خلاف سابق شطر هفت هجائی مقدم است :

مثال شکل‌دوم:به‌نسبت ۵ و ۶

کردی : خدا دزانه من‌لداغت چونم **xodâ dezänà,manledä 8t čünam**

(۱) ـ مجمل‌التواریخ‌چاپ‌تهران‌ص۵۵

(۲) ـ هنگام‌غروب‌دشت روش‌شدوامیرو گوهررفتند گاوراببدوشند (رجوع شود بمجله سخن سال دوم)

(۳)ـ آمده‌ام‌اورا ببرم ، نمیآیدزن‌عمو! بزوراورا واداربه‌آمدن کن

صد کورهٔ آگر ماله درونم(۱) sad kúra ägar málá darünam

در ترانهٔ فوق مصراع اول یازده هجائی است که شطر اول آن پنج و شطر دوم آن شش هجا دارد : ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

به نسبت ٦ و ٥ : عموم فهلویات که در نقاط مختلف ایران بآهنگهای گوناگون رواج دارند از این نوعند :

شیرازی : قلم قلفل قلمدان چوب قلفل

نویسم نامه‌ای از پردهٔ دل ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

در این ترانه برخلاف شعرسابق شطراول شش و شطر دوم دارای پنج هجا است

تذکر - علاوه بر فهلویات که از قدیم در کتب ادب آمده نمونه‌های دیگری از یازده هجائی برای ما باقی مانده :

۱ - قسمتی از اشعار **درخت آسوریك** یازده هجائی است (۲) مانند این شعر :

مکو کانم فرسپم وات‌پانان ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

۲ - شعر **بندهشن** از بقایای قطعهٔ زروان (۳)

زمان اوزمندتر هچ‌هردودامان **zamän ûzmadetar hajhar dodä män**

زمان هنداچك اوکاری‌داستان (٤) **zamän handâjakow käri dátestän**

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

۳ - در تاریخ طبرستان اشعاری از **مسته‌مرد** در وصف مضرب عضدالدوله آمده که بیت دوم آن اینست

خیری‌نیهون کردونرکس نمایین **xairi nèhün kar,donar ges nemäyen**

ای خیری خوبه و اوستی وراین(٥) **ixairi xübá wäves ti verä yen**

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

(۱)ـ خدا داند که از داغ تو چگونه‌ام درونم براست از صد کوره اخگر

(۲)ـ رجوع شود بسبك‌شناسی جلد اول ص ۱۰۸

(۳)ـ رك: تحقیق انتقادی در عروض فارسی ص ۱۷

(٤)ـ زمان نیرومندتر از هر دو جهان است و زمان اندازه قواعد هر کار

(٥)ـ خیری نهفته و نرگس نما است این خیری از ورای آستینی خوبست (؟)

٤ـشعری در واژه نامهٔطبری از **باربد**جریر طبری آمده که یازده هجائی است :(۱)

ای دوخر که دارنده ... ه یرون

یك خ... بزین یکه یکی بپالون ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

۵)ـ**سیزده‌هجائی**:این وزن‌درضمن ترانهای۱۲ هجائی‌و گاهی‌مستقل‌آورده‌شده

مثال شکل اول : به‌نسبت ۵ و ۸

آن بام بلند که میبینی بام من است

آن چادرسفید که‌میبینی یارمن‌است= ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

در ترانهٔ فوق محل وقفه پس‌ازهجای پنجم است و باوشطر پنج و هشت هجائی تقسیم شده

به نسبت ۸ و ۵ دشتی :

قد باریك ای مشك سنگین زوروت ایاره

ای اوی که توایاری در زهرماره (۲) ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

در ترانهٔ فوق شطر اول هشت هجائی است

مثال شکل دوم : به‌نسبت ٦ و ۷

خراسانی :پسری نره خر دور سرت جودنه

خودته لوس مکن مثل بچهٔ ننه : ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

در این ترانه شطر اول شش و دوم هفت هجا دارد

به نسبت ۷ و ٦ : شیرازی :

ای دریاچه آب داره او دریاچه ماهی

ای استکان‌آب‌داره اواستکان چاهی= ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

در ترانهٔ فوق بر خلاف ترانهٔ سابق شطر اول هفت و دوم شش هجائی است

---

(۱)ـرك:واژه نامه‌طبری‌ص ۱۳

(۲)ـای کمر باریك!این مشك‌سنگین برتوزورمیآوردواین آبی که تومیآوری ایدختر! زهر مار است

تذکر - نمونهٔ سیزده هجائی در آثار قدما موجود است مانند این شعر : (۱)

èvom apartar hajtö daraxte àsürik ایوم اپرتر هج‌تو درخت آسوریك

– ⏑ – ⏑ – ⏑ | – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

۲ - قسمتی ازاشعارتورفان سیزده‌هجائی است واین‌شعر مربوط باول‌یك‌قطعه‌است(۲)

xwôrax ŝietè ruŝan ud pür,mâhi brâzâk خورخشیت روشن اد پور ماهی برازاك

rüzénd ud brà ẑènd az tan vä riyeüy روژنداد براژند ازتنواری‌او

– ⏑ – ⏑ – ⏑ | – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

۳ - دو بیت از **کیاافراسیاب** چلاوی مربوط بقرن هشتم دروازه‌نامه طبری (۳) بنقل از تاریخ ظهیرالدین آمده که شعر دو مش اینست :

مردان جنگی دارمه اسپان تازی = – ⏑ – ⏑ – ⏑ | – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

پره فراسیومه من باین درازی (٤)

ترانه های فرعی - چنانکه در اول این فصل یاد آور شدیم در ترانهای ایرانی ۱٤و۱۵ و۱٦ هجائی نیز موجوداست ولی چون کلیت وتنوع‌ندارد ناچارآنها را ترانهای فرعی نامیدیم‌ولی از حیث فاصلهٔ دو شطر تابع قواعد ترانه‌های اصلی میباشد بدین معنی که**درترانها زوج یادو شطرشان مساوی‌ویایك شطر دوهجا از دیگری زیادتر دارد ودر ترانهای فرد پیوسته این تفاوت یك یا نه هجا است** ، ولی مواردی هم یافت میشود که‌از این قانون مستثنی است چنانکه بیاید .

اینك برای تتمیم این فصل بذکر چند مثال برای اوزان فرعی میپردازیم :

---

(۱)-رك:سبك شناسی جلداول‌ص۱۰۸

(۲)-رجوع‌شودبهمان کتاب - معنی‌شعراینست:خورشید تابان‌وماه‌برازنده میافروزند و برازندگی‌میکنندازتنه آن‌درخت

(۳)-رك: وازه‌نامه‌طبری صادق کیاص۱۹

(٤)-بنظرمن کلمه پره‌مخفف‌پورو پشراست‌ومعنی‌شعرچنین‌میشود:مردان‌جنگی‌واسبان تازی دارم‌من‌بوراافراسیابم‌بااین‌یال‌و کوپال‌وهیکل؟

۱) چهارده هجائی ـ ممکن است مرکب از دو هفت هجائی یا شش هجائی و هشت هجائی باشد مانند ترانهٔ زیر که به نسبت ۷و۷ تقسیم شده

تهرانی: کوچه تنگه‌های بلده عروس قشنگه بلده

دس بزلفاش مزنید مرواری بنده بلده

۲) پانزده هجائی : مرکب است از یک شش هجائی و یک نه‌هجائی یا یک هفت هجائی و یک هشت هجائی مانند این ترانهٔ

شیرازی : بریدن دوزلفون مشتی فلا بیغیرته :

هرکی نارو بزنه با بچه‌ها بیغیرته

۳) شانزده هجائی : مرکب از یک هفت هجائی و یک نه‌هجائی یا از دو هشت هجائی مانند این ترانه خراسانی :

سیزده بدر چارده بتو ها کتکتو ها کتکتو

سال دگر خانه شو ها کتکتو ها کتکتو

نمونهٔ این قبیل ترانهای فرعی بسیار کم است ولی در هرحال اوزان هجائی از شانزده هجا تجاوز نمیکند و بطور کلی آنچه تاکنون اشعار هجائی میتوان بر آن نهاد محصور است میان چهارهجائی و شانزد هجائی و در هیچ نقطه‌ای از نقاط ایران ترانه‌ای که کمتر ازچهار یا زیادتر از ۱۶ هجا باشد وجود ندارد مگر اینکه مختلط باشد چنانکه بیاید

اوزان حد وسط ـ در این فصل متذکر شدیم که اوزان از ٤ هجائی شروع شده و به ۱۶ هجائی ختم میشود ولی در عمل میبینم که تمام این اوزان در یک درجه ازرواج نیستند مثلا وزن چهار هجائی، پنج هجائی و شش هجائی رواج ندارد همچنانکه وزن ۱٤، ۱۵ و ۱۶ هجائی نیز کمتر معمول است و در بقیهٔ اوزان هم آنچه رواج کامل دارد عبارتند از: ۷و۸ هجائی و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ هجائی. علت اشتهار اوزان مذکور بنظر اینجانب اینستکه این اوزان درحد وسط قرار گرفته‌اند . چه هرگاه ازحداقل

(٤ هجائی) و حد اکثر (١٦ هجائی) معدل بگیریم وزن ده هجائی حاصل میشود یعنی ١٠ = $\frac{٤ + ١٦}{٢}$ که بتبع آن اوزان ٨ هجائی و١٢ هجائی نیز جزء حد وسط بشمار میروند وچنانکه در فصل آینده خواهیم گفت وزن هفت هجائی باحذف یکهجا از هشت هجائی حاصل شده همچنانکه وزن یازده هجائی نیز از ١٢ هجائی بدست میآید **بنابراین از تمام اوزان محلی رائج تر، اوزان حد وسط میباشند که عبارتند از ٧و٨و١٠و١١و١٢ هجائی**

فصل سوم - مشخصات وزن هجائی

قبلا یاد آور شدم که مبنای وزن هجائی برتساوی تعداد هجا و تساوی و توازن تکیه وتناسب کمیت هجا قرار دارد اینك دراین فصل نسبت بهر یك از مشخصات فوق در حدود لزوم توضیح میدهم :

١ - تعداد هجا - در دو مصراع هرترانه تساوی شمارهٔ هجا ها رعایت میشود وبنا براین تعداد هجااز عوامل مؤثروزن میباشدمعذلك نمیتوان آنرا تنهاشرط حصول وزن دانست چه اولا آنچه بیش ازتعداد هجا دروزن ترانها مؤثراست تساوی وتوازن تکیه‌ها و محل وقفهٔ بارز میباشد و چون حصول توازن وتساوی تکیه‌ها تاحدی با کمیت هجا بستگی دارد کمیت نیز تا جائیکه لازم است رعایت میشود بنابراین چنانکه ملاحظه میکنیم شمارهٔ هجا ازعواملی است که بتنهائی برای تحقیق وزن کافی نیست مخصوصاً که در ترانهای محلی گاهی باشعاری بر میخوریم که بین دومصراع آنها تساوی هجا کاملا رعایت نشده ویکمصراع یکهجا بردیگری علاوه دارد ،

ولی باید دانست که این اختلاف در مواردی مجاز است که از نظر تساوی تکیه و توازن پایها خللی بوزن حاصل نشود وغالباً مربوط باول یکی ازدوشطر میباشد .

در ترانهای کردی غالباً هجای زیادی باول شطر دوم افزوده شده ولی در سایر نقاط ایران معمولا این هجا دراول مصراع (یعنی اول شطر اول) اضافه میگردد چنانکه در امثلهٔ زیرملاحظه میشود :

تفاوت یکهجا بین ٤و٥ هجائی :

خراسانی: رضـا رضـا = ـ ـ ـ . ـ ـ ـ

پوشت کریزا » ـ ـ ـ . ـ ـ ـ

خربزه‌دزدی

یا امام رضا

تفاوت یکهجا بین٥و٦ هجائی :

شیرازی : ایوای نگـارم

بر گشته حالم

تودرخواب‌خوشی = ـ ـ ـ . ـ ـ ـ

مـن بیـقـرارم » ـ ـ ـ . ـ ـ ـ

تفاوت بین ٦و٧ هجائی :

تهرانی : کج میره‌راس‌میره = ـ ـ ـ . ـ ـ ـ ـ

هر جادلش‌خاس‌میره » ـ ـ ـ . ـ ـ ـ ـ

تفاوت بین ٧و٨ هجائی :

خراسانی : تـا نباشد چوب تر = ـ ـ ـ . ـ ـ ـ ـ

فرمان نبرد گاوخر » ـ ـ ـ . ـ ـ ـ ـ

تفاوت بین ٨و ٩ هجائی

کردی : عاشق‌له‌دوره دیارن = ـ ـ ـ . ـ ـ ـ ـ

منعیان مکن درددارن (١) : ـ ـ ـ . ـ ـ ـ ـ

تفاوت بین ٩ و ١٠ هجائی :

خراسانی : چوب خدا صدا ندره : ـ ـ ـ . ـ ـ ـ ـ

هر کی بخوره‌دو اندره : ـ ـ ـ . ـ ـ ـ ـ

(١) عاشق که‌دور از یاراست‌منعش‌مکن که‌دردارد

تفاوت بین **۱۰ و ۱۱** هجائی

کردی : غزان بس قصار قلنگان هوائی = – – ⏑ –́ – ⏑ . –́ – ⏑ –́ – –́

حیفن بالاکت شو و تنیائی (۱) = –́ – –́ ⏑ – –́ – – –́ –

تفاوت بین **۱۱ و ۱۳** هجائی

طبری : کروسدره نیله بداو آین = – ⏑ –́ ⏑ –́ –́ . ⏑ –́ ⏑ –́ –́

وادیم کته دیم‌ای مردمون‌دشـ ین (۲) ⏑ –́ ⏑ ⏑ –́ –́ . – ⏑ –́ ⏑ – –́

تفاوت بین **۱۲ و ۱۳** هجائی :

دشتی : وری بریم تی پیرشمس عهدی بو ندیم : ⏑ –́ ⏑ –́ – –́ ⏑ –́ – –́ ⏑ – –́

هر کمون عهد بشکنه کمر نبندیم : ⏑ –́ – –́ ⏑ –́ . ⏑ –́ ⏑ – –́

از توجه بترانهای فوق این نتیجه برای ما حاصل میشود که تفاوت یکی‌جا **در اول یکی از دو شطر در صورتی مجاز است که توازن و تساوی تکیه‌ها را مختل نسازد** ولی در هر حال این قبیل ترانها را باید جزء مستثنیات شمرد و اصل همان تساوی هجائی است

۳ ـ کمیت هجا : گاهی در وزن ترانه‌ها مشاهده میشود که شمارهٔ هجا های بلند و کوتاه رعایت شده ومثلا اگر در یک مصراع سه هجای کوتاه وجود دارد در مصراع مقابل آن نیز سه هجای کوتاه موجوداست .

این امر باعث‌شده که یکی از دانشمندان معاصر رعایت کمیت هجارا دروزن ترانها ضروری دانسته درصورتیکه درضمن امثله گذشته مواردبسیاری دیدیم که کمیت هجا درآنها رعایت نشده مخصوصاً ترانهای کردی ومازندرانی که کاملا وزنشان‌مبتنی بر تعداد هجا وتکیه است وابداً کمیت هجا مورد توجه نیست اما درترانه‌های ... وخراسانی ونقاط مرکزی وجنوبی تاحدی این کمیت رعایت شده وطبعاً این امر در نتیجهٔ تکامل تدریجی پیش‌آمده‌وگرنه در ترانه‌های‌قبل ازاسلام ومخصوصاً آثار **تورفان**

---

(۱) غازان و کلنگان بقطار ند حیف‌است که‌قامت تو شب‌در تنهائی باشد

(۲) رجوع‌شود بذیل یازده‌هجائی (فصل‌دوم)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مانند ترانهای کردی ومازندرانی مبنای وزن صرفاً برتعداد هجا وتکیه‌است ونظری بلندی وکوتاهی هجا ندارند معذلك یك نکته‌را نمیتوان انکار کـرد وآن اینکه در ترانهای محلی بین‌تکیه‌ها توازن موجود است واین توازن تاحدی بارعایت کمیت‌هجا بستگی دارد وبهمین جهت بااینکه در عمل کمیت هجا کـاملا رعایت نشده در خواندن تا حدودیکه توازن تکیه ها ایجاب میکند این کمیت را بوجود میآورند بدین معنی که بوسیلهٔ کشش، هجای کوتاه‌را بلند ویا باسبك تلفظ کردن، هجای بلندرا کوتاه‌میسازندو توازن لازم را بوجود میآورند وازهمین جاست که میبینیم در ترانه های محلی هجای کوتاه بجای بلند یا بلند بجای کوتاه بکار رفته مثلا این ترانه کرمانی :

م ردم میش بیرم از سردونم : ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

آلمانی پس کله‌شون‌تش‌زد بجونم(۱) : ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

در ترانهٔ فوق مصراع اول دارای شش هجای کوتاه است درحالیکه مصراع دوم بیش ازسه هجای کوتاه ندارد وازآن سه تاهم یکی بلندی است که کوتاه تلفظ شده (درکلمه آلمانی : ـ ـ ـ) ولی نکتهٔ قابل ملاحظه اینستکه این سه هجای کوتاه مصراع دوم عیناً درمقابل سه‌هجای کوتاه ازمصراع اول واقع شده‌اند بنابر این معلوم میشود برای حصول توازن در شعر فوق فقط رعایت تعداد و محل سه هجای کوتاه ضروریست ورعایت بقیه چون در توازن ومحل تکیه اثری ندارند الزامی نیست .بنابراین **رعایت کمیت هجا در ترانهای‌محلی تاحدودی‌لازم‌است که‌برای حفظ‌تساوی وتوازن تکیه هالازم‌باشد**

۳ - تکیه - تکـیه عبارتست از شدت یا قـوت خاصی که در تلفظ کلمه‌ای بیکی از هجاهای آن میبخشیم (۲) وچنانکه گفتم در بیشتر کلمات پارسی مخصوصاً اسماء و صفات در حال تجرد تکیه روی هجای آخر است وبهمین جهت برای سهولت تقطیع دروزن‌ترانها تکیه را بآخر پایه داده وآنرا برحسب عده تکـیه‌ها بقطعاتی تقسیم میکنیم که هر قطعه یك پایه میباشد وبه‌تکیه‌ای ختم میشود .

تکیه در وزن ترانها عامل اصلـی بشمار میرود زیرا اگر بوزن ترانها توجه

(۱) من‌رفتم‌ازچراگاه‌میش بیاورم باتفنگ آلمانی آتش‌بجانم‌زدند
(۲) رك تحقیق انتقادی درعروض ص ٦٤

کنیم میبینیم که درهر مصراع روی هجاهای معینی تکیه‌شده وعده ومحل این تکیه‌هادر دو مصراع متقابل یکسان است (مگر درمواردی که لطمه بوزن وارد نشود) واگر این امر در هردو مصراع رعایت نشود یامحل تکیه‌ها بدون تناسب‌تغییریابد وزن مختل میگردد برای توضیح این ترانه شیرازی‌را مورد توجه قرار میدهیم :

هاجستم و هاجستم = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

توحوش‌نقره‌جستم

در هر مصراع چهار تکیه‌است: تکیهٔ اول روی هجای دوم . تکیهٔ دوم روی هجای چهارم وتکیهٔ سوم روی هجای ششم وتکیهٔ چهارم روی هجای هفتم وبنابراین وزن آن بچهار پایهٔ مجزا تقسیم میشود :

الف ـ محل تکیه‌ها ـ از آن چه گفتیم باین نتیجه میرسیم که تعداد هجا و تکیه در دو مصراع متقابل یکی است یعنی اگرمثلا یك مصراع ۱۲ هجائی دارای شش تکیه است مصراع مقابل آن نیز شش تکیه‌دار ، و چون محل **وقفهٔ بارز** در دو مصراع یکی است ناچار شطرهای مقابل نیز از حیث تعداد هجا یکسانند و چون موازنه میان آنها موجود است از حیث تکیه هم باید یکنواخت باشند بدین معنی که اگر مثلا شطر هفت هجائی از سه پایه ترکیب یافته (هر پایه نماینده یك تکیه است) باید شطر مقابل آن هم از سه پایه مرکب باشد ولی لازم نیست که این پایه‌های متقابل کاملا یکسان باشند زیراچنانکه گفتیم مبنای وزن برتساوی تعداد هجا و تکیه و توازن تکیه‌هاست و بنا براین ممکن است محل تمام تکیه‌ها کاملا در دو شطر متقابل یکی نباشد مانند این ترانهٔ بختیاری :

یك گلی گوشهٔ چمن تازه شکفته = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

نه دستم بش میرسه نه‌خوش میفته » ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

در شعرفوق با اینکه‌تعداد هجاوتکیه هادردومصراع متقابل یکی است ملاحظه میشود که محل تکیه‌دوم دردوشطر متقابل اول یکی‌نیست وازهمین‌جاست که رعایت کمیت هجا نیز کاملا ضروری بنظر نمیرسد بلکه تنها رعایت کمیت آنقسمت ازهجاها که برای حصول توازن تکیه‌ها ضروری‌است کافی میباشد وتاآنجا که اینجانب جستجو کرده‌ام‌برای این امرحد اقل‌دویاسه هجای آخر شطرهای متقابل بایدکاملا یکنواخت باشندو برای

بقیهٔ هجاها قیدی در کار نیست .

واز نظر محل تکیه‌ها بطور کلی باید گفت **که محل تکیه در آخر دو شطر متقابل ثابت است** ودر شطر اول که از دو تکیه بیشتر داشته باشد ممکن است محل یک یا دو تکیه اول تغییر کند ودر شطر دوم تنها محل تکیهٔ اول قابل تغییر است.

ب ـ تکیهٔ قوی وضعیف ـ درهر ترانه دوقسم تکیه موجود است یکی **تکیه ضعیف** ودیگری **تکیهٔ قوی**

۱) تکیه ضعیف ـ همان تکیه معمولی کلمات است که آنرا accent tonigue مینامند واین نوع تکیه درآخر هرهجای بلند که بآن وقف شود موجود است

۲) تکیه قوی ـ که آنرا تکیه ایقاعی accent metrique مینامند عبارتست ازیکضرب قوی که برحرفی معین وارد میشود مثلا در ترانهٔ سابق که چهار تکیه دارد دو تکیهٔ قوی موجود است که در خواندن بارزتر وشدیدتر ازتکیه‌های دیگر میباشد و عبارتند از تکیهٔ دوم و چهارم .

معمولا در ترانهای ایرانی تکیهٔ قوی وضعیف بتناوب دنبال هم قرار میگیرد وآنچه بیشتر بوزن حالت و آهنگ می‌بخشد همین تکیه‌های قوی میباشند

ج ـ تعداد تکیه ـ برای تحقیق وزن حداقل دو تکیه لازم است و بهمین جهت **در ترانهای پارسی ترانه‌ای نمیتوان یافت که ازدو تکیه کمتر داشته باشد** از طرفی تکرار ضرب دریکترانه تاحدی مطلوب است که بتوان آنرا بطورعددی بیک نفس تمام کرد وبآن صورت موزون بخشید و به **تشخیص ذوق حداکثر درهرمصراع این تکرار نباید ازهشت دفعه تجاوز کند** ولی چنانکه در عمل مشاهده میشود **ترانهای ۸** تکیه‌ای کمتر رواج دارند همچنانکه اشعار دو تکیه‌ای نیز زیاد معمول نیستند **وآنچه بیشتر معمول است ترانه‌هائی است که تکیهٔ آنها بین ۳و۷ باشد** ودر ترانهای ایرانی چون هرتکیه نماینده یک پایه است بتعداد پایهای موجود درآن ترانه تکیه وجوددارد **بنابراین همانطور که دوهجا حدوسط یکپایه است حدوسط یک تکیه نیز هست**

طبقه‌بندی ترانها از نظر تکیه ـ همانطور که ترانهارا از نظر محل

وقفهٔ بزرگ وشطر طبقه‌بندی کردیم ممکن است آنهارا از نظر تکیه نیز طبقه‌بندی نمود و چون دوقسم ترانهٔ زوج وفرد موجود است هریك را جداگانه مورد بررسی قرار میدهیم

اول ـ تکیه در ترانهای زوج :

هرگاه دوپایه (که نماینده دوتکیه است) با هم ترکیب شوند و مجموع آنها زوج باشد دارای سه‌حالتند :

۱) هردو یك هجائی : ـ ـ که در اینصورت اگر برتعداد هجا ۲ افزوده و آنرا بر حدوسط پایه (یا تکیه) یعنی ۲ تقسیم کنیم تعداد تکیه حاصل میشود یعنی

$$\text{ت(تکیه)} = \frac{\text{تعداد هجا} + ۲}{۲} = ۲$$

۲) یك پایهٔ یکهجائی ویك سه هجائی ـ باهردودو هجائی که درهردوصورت چون عدهٔ هجا چهاراست و تعداد تکیه ۲ :

$$\text{ت} = \frac{\text{ه}}{۲} = ۲$$

۳) دوپایهٔ سه‌هجائی که چون تعداد هجا شش است :

$$\text{ت} = \frac{\text{ه} - ۲}{۲}$$

حال اگر ازاین سه‌مبدء باضافه‌حدوسط یکپایه‌حرکت کنیم میزان تکیه‌درترانهای زوج بدست میآید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حالت اول

وزن	تعداد هجا	تعداد تکیه	از نظر فرمول
مبدء	دو هجائی	۲	$\text{ت} = \frac{\text{ه} + ۲}{۲}$
باضافه‌حدوسط یك پایه	٤ »	۳	» »
»	٦ »	٤	» »
»	۸ »	٥	» »
»	۱۰ »	٦	» »
»	۱۲ »	۷	» »

از جدول فوق همچو استنباط میشود که ممکن است در ترانها «٤ هجائی باسه تکیه»

و « ٦ هجائی باچهارتکیه » و « ۸ هجائی باپنج تکیه »و« ۱۰ هجائی باشش تکیه و « ۱۲ هجائی باهفت تکیه » داشته باشیم ودرتمام این نوع ترانها : $\frac{ه+۲}{۲} = ت$

ولی معمولا این قسم ترانها کمتر رواج دارند.

حالت دوم

وزن	تعداد هجا	تعداد تکیه	از نظر فرمول
مبدء	٤ هجائی	۲	یعنی $\frac{ه}{۲} = ت$
باضافه حد وسط یك پایه	٦ «	۳	« « «
« «	۸ «	٤	« « «
« «	۱۰ «	٥	« « «
« «	۱۲ «	٦	« « «

ازاین جدول برمیآید که ممکن است در ترانها « ٤ هجائی بادو تکیهٔ» و «٦ هجائی باسه تکیهٔ»و«۸ هجائی باچهارتکیه » و«۱۰ هجائی باپنج تکیه » و «۱۲ هجائی باشش تکیه » وجودداشته باشد ودرهمه آنها $\frac{ه}{۲} = ت$ واین حالت بسیار معمول است

حالت سوم

وزن	شماره هجا	تعداد تکیه	از نظر فرمول
مبدء	٦ هجائی	۲ یعنی	$\frac{ه-۲}{۲} = ت$
باضافه حد وسط یك پایه	۸ «	۳ «	« «
«	۱۰ «	٤ «	« «
«	۱۲ «	٥ «	« «

از این جدول می‌فهمیم که ممکن است ترانهٔ « ٦ هجائی بادو تکیه » یا «۸ هجائی باسه تکیه » یا « ۱۰ هجائی با چهار تکیه » یا «۱۲ هجائی باپنج تکیه » موجود باشد

ودر تمام این اشکال : $\frac{ه-۲}{۲} = ت$ واین‌حالت نیز تاحدی معمول‌است

بنا بر این ترانهای زوج از حیث تکیه دارای یکی‌ازسه حالت ($\frac{ه+۲}{۲} = ت$ یا $\frac{ه}{۲} = ت$ یا $\frac{ه-۲}{۲} ت$) میباشند : **ولی معمولا حالت اول کمتر رواج دارد و بطورکلی یا $\frac{ه}{۲} = ت$ ویا $\frac{ه-۲}{۲} = ت$**

دوم ـ تکیه در ترانهای فرد : برای تعیین میزان تکیه در ترانهای فرد نیز باید بهمان طریق سابق عمل کرد :

هرگاه شمارهٔ هجا در ترکیب دوپایه (که نمایند دو تکیه است) فرد باشد از دو حال خارج نیست :

۱)ـ یك پایهٔ یك هجائی ویك دوهجائی که دراینصورت $\frac{ه+۱}{۲} =$ است

۲)ـ یك پایهٔ دوهجائی ویکی سه‌هجائی و در اینحالت **$\frac{ه-۱}{۲} = ت$**

حال اگر بترتیب با اضافه کردن حد وسط یك پایه از دو مبدء فوق حرکت کنیم میزان تکیه در ترانهای فرد بدست میآید :

حالت اول

وزن	شمارهٔ هجا	تعداد تکیه	از نظر فرمول
مبدء	۳ «	۲	یعنی $\frac{ه+۱}{۲} = ت$
باضافه‌حدوسط‌یك‌پایه	۵ «	۳	« « «
« «	۷ «	٤	« « «
« «	۹ «	٥	« « «
« «	۱۱ «	٦	« « «
« «	۱۳ «	۷	« « «

از جدول فوق بدست میآید که در ترانها ممکن است «٥ هجائی با سه تکیه»

و « ۷ هجائی با ٤ تکیه » و « ۹ هجائی با پنج تکیه » و « ۱۳ هجائی با هفت تکیه» موجود باشد و در همهٔ این اشکال : $\frac{\text{هـ} - ۱}{۲} = \text{ت}$

حالت دوم

وزن	شمارهٔ هجا	تعداد تکیه	از نظر فرمول
مبدء	٥ هجائی	۲	یعنی $\frac{\text{هـ} - ۱}{۲} = \text{ت}$
با اضافه حد وسط بیت پایه ۷	«	۳	« « « «
« «	۹ «	٤	« « « «
« «	۱۱ «	٥	« « « «
« «	۱۳ «	٦	« « « «

از این جدول معلوم میشود که در ترانها « ٥ هجائی با دو تکیه » و « ۷ هجائی با سه تکیه » و « ۹ هجائی با چهار تکیه » و « ۱۱ هجائی با پنج تکیه » و « ۱۳ هجائی با شش تکیه » موجود است و در عموم آنها $\frac{\text{هـ} - ۱}{۲} = \text{ت}$

بنابراین **ترانهای فرد از دو صورت خارج نیستند یا** $\frac{\text{هـ} + ۱}{۲} = \text{ت}$ **و** و یا $\frac{\text{هـ} - ۱}{۲} = \text{ت}$ و این هر دو رواج دارد

د ـ توزیع تکیه در دو شطر ـ هرگاه تعداد تکیه در ترانه‌ای زوج باشد (۲ یا ٤ یا ٦ یا ۸) غالباً بدو قسمت متساوی در دو شطر توزیع میشود و ممکن است از چهار تکیه بالا در یکشطر دو تکیه بر دیگری علاوه داشته باشد

مثال دو تکیهٔ :

خراسانی : الم الم = ـ ـ ـ ـ

شاه کلم » ـ ـ ـ ـ

مثال چهار تکیه‌ای : به‌نسبت ۲و۲

تهرانی : طشت طلا آوردم = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

دخترشا را ببرم » ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

به نسبت ۱ و ۳

خراسانی : آهـای مـیرزا قشم شم = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

فدا ی آن قرت شم = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

مثال شش تکیه‌ای : ۴ نسبت ۳ و ۳

شیرازی : دختر و گلون گلون‌میره او انبار = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

دل‌میگه‌راشه‌بگیرمشکشه‌وردار = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

به نسبت ۲ و ۴

جنوبی : اون چادرسفید که میرودسر بالا = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

دسمال و بدست ومیزند گرمارا » ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

مثال هشت تکیه‌ای : بنسبت ۴ و ۴

خراسانی : حالا خوب شد که بگم ۰۰ بهونگ ملا کاظم

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

به نسبت ۳ و ۵

تهرانی : نمدونم چکار کنم ازدست این خانوم شلخته

صبح تاشوم‌تو کوچه‌ها هی میزنه شلنگ‌و تخته

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

ودر موردیکه‌تعداد تکیه‌فرد باشد(۳ یا۵ یا ۷ تکیه)به‌ترتیب دردو شطر به‌نسبت ۲ و ۱ (یا ۱ و ۲) و ۳ و ۲ (یا ۲ و ۳) و ۴و۳ (یا ۳ و ٤) تقسیم میشود و پیوسته یکشطر یك تکیه علاوه بر شطر دیگر دارد

مثال سه تکیه‌ای

تهرانی : دروازه نگین داره = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

قفل عنبرین داره = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

مثال ۵ تکیه‌ای

خراسانی : از بسکه گفتی آملا = – – ⏑ – – ⏑ – ⏑ – –
کلم کلوشد بوالله

مثال هفت تکیه‌ای

کرمانشاهی: دلکم دلبر کم‌لحظه‌ای بنشین بر کم
شاید از بهر خدا آسوده گردد دلکم
⏑ ⏑ – ⏑ ⏑ – ⏑ – ⏑ – ⏑ ⏑ –

هـ - ترتیب تکیه ها - چنانکه اشاره شد **در ترانهای ایرانی تکیهٔ قوی و ضعیف به‌تناوب یکدیگر میآیند و تشخیص این‌امرمنوط بآهنگ ترانها و طرز خواندن آنها است** وتاآنجا که‌اینجانب دریافته‌ام غالباً شروع ترانها بتکیه قوی است : در ترانه‌های دوتکیه‌ای : اول قوی ،درسه وچهارتکیه‌ای اول‌وسوم قوی، در پنج‌وشش تکیه‌ای اول‌وسوم وپنجم قوی میباشند واین‌ترتیب بما میفهماند که‌مابین ترانها (۳ و ۴ ـ ۵ و ۶ ـ ۷ و ۸ تکیه‌ای) یکنوع هم‌آهنگی و تناسبی موجود است

و - حد وسط تکیه

حد وسط تکیه درترانهای محلی عبارتنداز ۳و۴و۵و۶ زیرا اگرترانهای اصلی (از ۴تا۱۳)را درنظر بگیریم بمعدل گرفتن ازحداقل (۲تکیه در ۴هجائی) وحداکثر (۶ تکیه در۱۳ هجائی) حدوسط چهارتکیه است : $۴ = \frac{۶+۲}{۲}$ وبه‌تبع آن ۵و۳ تکیه واگر ترانهای فرعی‌را هم بحساب بیاوریم‌حداکثر در۱۶هجائی۸تکیه‌است وبنا براین معدل حداقل وحداکثر ۵تکیه میباشد: $۵ = \frac{۸+۲}{۲}$ وبه‌تبع آن ۴و۶ تکیه

بنا بر این چنانکه ملاحظه میشود **ترانهای با ۳ یا ۴ یا۵ یا۶** تکیه‌رواج **بیشتری‌دارند‌و** بهمین‌جهت ترانهای۷و۸ و ۱۰و۱۱ و ۱۲هجائی بیشتر معمولند زیرا:

۳ تکیه $= \frac{۷-۱}{۲}$ یاتکیه۴ $= \frac{۷+۱}{۲}$ و۳ تکیه $= \frac{۸-۲}{۲}$ یا۴ تکیه $= \frac{۸}{۲}$ و ۴ تکیه $= \frac{۱۰-۲}{۲}$

یا۵ $= \frac{۱۰}{۲}$ و۵تکیه $= \frac{۱۱-۱}{۲}$ یا۶ تکیه $= \frac{۱۱+۱}{۲}$ و۵ تکیه $= \frac{۱۲-۲}{۲}$ یا۶ تکیه $= \frac{۱۲}{۲}$

پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصل چهارم - بررسی و مقایسهٔ اوزان هجائی

این فصل را که درواقع نتیجه و حاصل فصول گذشته است در دو قسمت مجزا خلاصه میکنیم: در قسمت اول به نتیجه‌ای که از مقایسهٔ این اوزان حاصل شده اشاره کرده و در قسمت دوم بذکر نتائج کلی و عمومی که از بررسی این اوزان بدست آمده میپردازیم

الف - قسمت اول مقایسهٔ اوزان محلی

از مقایسهٔ اوزان محلی با یکدیگر این نتیجه حاصل میشود که عموم آنها باهم بستگی دارند و براههای مختلف از یکدیگر ناشی شده‌اند، برای درك این معنی گوئیم: **اوزان محلی** از نظر کلی دو نوعند: یکی آنها که با وجود اختلاف وزن از حیث تعداد هجا یکسانند. دوم اوزانیکه شمارهٔ هجاعشان مساوی نیست.

نوع اول - دو ترانه که وزنشان مختلف واز حیث عدهٔ هجا یکی باشد یکی از راههای زیر از هم ناشی شده‌اند:

۱) - تغییر محل تکیه: در صورتیکه دو ترانه از حیث تعداد هجا و تکیه مساوی باشند موجب اختلاف وزن تغییر محل تکیه هاست.

مثلا این ترانهٔ شیرازی: پشتش باش زیرش باش = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

بستون پر شیرش باش نی بنوا نی بنوا

وزن فوق هشت هجائی و دارای چهار تکیه است و از حیث کمیت هجا نیز دو مصراع آن مساوی‌است و درهر مصراع چهار کوتاه وچهار بلند درمحل معینی قراردارد

حال ترانهٔ دیگری را که از حیث هجا و کمیت و تکیه با ترانهٔ فوق یکنواخت بوده و وزنش مختلف باشد مورد توجه قرار میدهیم. مثلا این ترانهٔ خراسانی:

چغکه فصل زمستون = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

مزنه جیك جیك مستون بنوا نی بنوا نی

بطوریکه ملاحظه میشود آنچه در این دو ترانه موجب اختلاف وزن‌شده همان تغییر محل تکیه است که در ترانهٔ اول تکیه‌های اول و سوم در اول دو شطر قرار دارند و در ترانهٔ دوم این تکیه‌ها بآخر شطر منتقل شده‌اند **بنا براین وزن هر**

ترانه‌ایرا میتوان با تغییر محل تکیه دگرگون ساخت

۲) ـ کسر و اضافه ساختن تکیه ـ دو ترانه ممکن است از حیث تعداد هجا و کمیت آن یکی باشند ولی شمارهٔ تکیه در آن دو یکسان نباشد مثلا در مصراع دوم این ترانهٔ شیرازی : گلم گام گلابتون

بیرن حریر تمون کتون = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

نوا بنی آوا بنی

چهار تکیه موجود است و به نسبت ٤ و ٤ تقسیم شده و چون محل **وقفهٔ بارز** را را یك هجا عقب ببریم به نسبت **۵ و ۳** تقسیم خواهد شد که اگر با سه تکیه خوانده شود وزن ترانهٔ خراسانی زیر بدست میآید :

همو که مردم آزاره

اگر بمیره بهتره ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ = نوا نوانی نی نوا

پس میتوان **وزن یکترانه را بااضافه یاکسر تکیه (اگرمحل داشته‌باشد)تغییرداد**

۳) ـ تغییر محل دو شطر ـ گاهی دو ترانه دیده میشود که از حیث تعداد و کمیت هجا و تکیه یکسانند و فقط محل شطرهاشان تغییر یافته

مثلا این ترانهٔ تهرانی : موشه‌ماسوره‌میکرد = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

بچه موش ناله میکرد نی نوا نی بنوا

حال اگر محل دو شطر تغییر یابد وزن زیر حاصل میکرد :

شوهر من زن میخواد = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

خوشکل‌تر از من میخواد نی بنوا نی نوا

۴) ـ نقل یکهجا از اول بآخر یا برعکس ـ گاهی وزن ترانه‌ای را میتوان با نقل یك هجا از آخر باول یا از اول بآخر تغییر داده. مثلا این ترانهٔ شیرازی :

وقت خوردن قلچماقم = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

وقت کار کردن چلاقم نی نوا نی نی نوا نی

حال اگر مثلا هجای اول وزن بآخر مصراع نقل شود وزن زیر بدست میآید :

نهبندان : الا لا لا گل زیره = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

بچم آروم نمیگیره نوا بانی نوا بانی

یا اگر از آخر آن باواش نقل کنیم این وزن حاصل میشود :

خراسانی : عنگور باغ عسکری = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

از برگ گل نازکتری بانی نوا بانی نوا

در واقع تغییر محل هجا نیز نوعی از تغیر محل تکیه است ولی از آنجا که ممکن است موارد خاصی برای آن پیدا شود جداگانه ذکر شد

از آن چه گفتیم باین نتیجه میرسیم که ممکن است وزنیرا با **تغییر محل تکیه یا تغییر محل واقعه یا تغییر محل دو شطر یا تغییر محل یکهجا از اول بآخر یا آخر باول بوزن دیگری تبدیل نمود** و اختلاف وزنی را که در یکترانه نسبت به نقاط مختلف مشاهده میکنیم مربوط بهمین قانون است که هر قومی بر حسب آهنگ محلی خود روی هجاهای معینی تکیه کرده‌اند و در نتیجه آن ترانه در محل آنها آهنگ مخصوص یافته است.

نوع دوم - ترانهائیکه تعداد هجا در آنها یکسان نیست. و چنانکه گفتیم از ٤ هجائی شروع شده و بشانزده هجائی (با در نظرگرفتن سه وزن فرعی) خاتمه میشود ، این اوزان غالباً از ترکیب یکدیگر بدست آمده و عموماً بترانهای ٤ و ٥ و ٦ و ٧ و ٨ هجائی بر میگردند.

اشتقاق اوزان از یکدیگر بیکی ازراههای زیر صورت‌میگیرد:

۱) حذف یا اضافهٔ یکهجا باول یاآخر - هروزنی را میتوان باحذف یکهجا از اول یاآخر ویا باافزون یکهجا باول یاآخر آن. بوزن دیگری تبدیل نمود وعموما ترانهای هفت هجائی ویازده هجائی بترتیب باحذف یکهجا از هشت هجائی و دوازده هجائی ناشی میشوند همچنانکه عکس آن نیز صادق‌است :

مثال هشت هجائی این ترانهٔ شیرازی :

بزك ممیر بهار میاد = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

کمبزه و خیار میاد = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

هرگاه ازآخر وزن آن یکهجا حذف شود وزن هفت هجائی زیرحاصل میشود

تهرانی : اتل متل توتوله = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

گاوحسن کوتوله = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ (۱)

مثال دیگر : تهرانی : کیه کیه درمیزنه = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

دررمینگر میزنه = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

وهرگاه ازاول وزن آن یکهجاحذف شود وزن هفت هجائی زیرحاصل میگردد

خراسانی : قاضی جان عرضی دره = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

دل پسور دردی دره = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

مثال دوازده هجائی : این ترانهٔ دشتی -

دیگ پسین وت گفتم وایس وتی گم digpasin,vatgoftamö isö vatigom

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

miratá däri bedeh xom mirat aibom (۲) میرت داری بده خم میرت ایبم

هرگاه ازاول وزن یکهجاحذف شود وزن یازده هجائی معروف وپلوبات بدست میآید

جنوب : گل سرخ و سفیده کی میائی = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

بنفشهٔ برگ بیده کی میائی

و هرگاه از آخر آن یکهجا حذف کنیم وزن یازده هجائی معروف مثنوی حاصل میشود :

dizi az tennor barärö kamča kar = نائینی : دیزی ازتنور برآرو کمچه کر

ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

yaxxataš vaćčänö näyé vačča kar (۳) یخه تش وچان ونای وچه کر

۳)- اضافه یا حذف ما به‌التفاوت دو شطر - ازوزن هرترانه که‌ما بین دو

---

(۱) درمواردیکه‌هجای‌ماقبل‌آخر کوتاه باشد پس‌ازحذف‌هجای‌آخرچون‌آن هجای کوتاه درآخرقرار گیرد ناچار بهجای بلندتبدیل‌میشود

(۲) دیروزعصر بتو گفتم‌حالاهم‌میگویم : مردترازهر بده‌من‌مردتوخواهم‌شد

(۳) دیزیراازتنور برآوردو کمچه بزن‌وقدری‌ازآن‌اسرد کن‌وبگلوی‌بچه بریز

شطرآن از حیث عدهٔهجا تفاوت‌باشد میتوان باحذف مابه‌التفاوت ازشطربلند،یا إضافهٔ آن بشطرکوتاه دووزن دیگر بوجود آورد .

مثلا ازوزن این‌ترانه ۱۲ هجائی دشتی:

دلدونت یاصدفه یاشیر ماهی = — ⏑ – ⏑ – ⏑ | – ⏑ – ⏑ – ⏑ –

یکشبی‌مهمونتم خواهی‌نخواهی

پس از حذف دوهجای مابه‌التفاوت شطر اول‌وزن ده‌هجائی زیرحاصل‌میشود

تهرانی : گرگم بهوا زنگون بپاشه = — ⏑ – ⏑ | – ⏑ – ⏑ –

لیلی‌کمشده‌لنگش هوا شه

با وزن این ده هجائی شیرازی :

ایخدا ایخدا شو گرفته = — ⏑ – ⏑ | – ⏑ – ⏑ –

چشمون یارمن خو گرفته

که چون دوهجای مابه‌التفاوت شطر اول‌رابرآخر شطردوم بیفزائیم‌بصورت ۱۲ هجائی زیر درمیآید :خراسانی:

gorregor lizboxor sorboxor aiyarà گروگر لیز بخور سربخور ای یره

sorboxor lizboxor rüy.e in sorsorà سربخور لیز بخور روی این سورسره

— ⏑ – ⏑ | – ⏑ – ⏑ –

۳) تکرار پایه یا شطر : یکی از طرق پیدایش اوزان تکرارپایه یاشطر است بدین‌معنی‌که اگر درترانه‌ای یک‌پایه‌یا یکشطر آنرا تکرار کنیم وزن تازه‌ای بوجود میآید ولی غالبا این‌تکرار محدود به‌پاپیای‌دووسه هجائی وشطر چهار هجائی است مشروط براینکه وزن حاصله ازشانزده هجا تجاوز نکند :

مثال تکرار پایه دوهجائی :

در وزن این پنج‌هجائی تهرانی : شکر پنیره = — ⏑ – ⏑ –

باب امـیره

هرگاه شطر دو هجـائی را دراول تکـرار کنیم وزن هفت هجائی زیر

حاصل میشود :

تهرانی : کچل کچل کلاچه = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

روغن کلـه پاچه

وهرگاه این تکرار درآخر صورت بگیرد هفت هجائی زیر بدست میآید :

شیرازی : گلین خانم ناز داره = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

ممـلی سرباز دارده

مثال تکرار پایهٔ سه‌هجائی

دراین وزن پنج هجائی : کلا نمدی = ـ ـ ـ ـ ـ

بهمه مدی

بمو نمدی

هرگاه شطر سه‌هجائیرا دراول تکرار کنیم این هفت هجائی حاصل‌میشود:

خراسانی : حج آقا پلو مخوره = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

غم گوشنه ر نـدره

واگر سه‌هجائی درآخر تکرار شود وزن زیر بدست میآید :

خراسانی : اگرمراوبیره ager morá ow beborà = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

تر خو مبره torá xow moborà

مثال تکرار شطر چهار هجائی :

دروزن‌این‌هفت‌هجائی تهرانی : موشه ماسوره میکرد = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

بچه‌موش ناله میکرد

اگرشطر چهار هجائیرادراول تکرار کنیم وزن خراسانی زیرحاصل‌میشود:

پیره‌زنه مثل سگ هف مکنه = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

غر مزنه تا دهنش کف میکنه

واگر درآخر تکرار شود یازده هجائی زیر بدست میآید :

اصطهباناتی: او مدم اش ببرم اش نمیآد = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

زن‌عمو کش گ کپش کن که بیاد نی نوا نی بنوا نی بنوا

۴) تکرار یک ترانه ـ یکی دیگر از طرق ایجاد وزن جدید آنستکه دو ترانه ٤ یا ٥ یا ٦ یا ٧ یا ٨ هجائی را (اعم از اینکه از حیث وزن یکی باشد یا نباشد) دنبال هم بیاورند

مثال تکرار چهار هجائی : (ر : هشت هجائی به‌نسبت ٤و٤)

مثال تکرار پنج هجائی : (ر : ده‌هجائی به‌نسبت ٥و٥)

مثال تکرار شش هجائی : (ر : دوازده هجائی به‌نسبت ٦و٦)

مثال تکرار هفت هجائی : (ر : چهارده هجائی به‌نسبت ٧و٧)

مثال تکرار هشت هجائی : (ر : شانزده هجائی به‌نسبت ٨و ٨)

۵) ترکیب دو ترانه ـ از ترکیب دو ترانهٔ کوتاه یک ترانهٔ بلند بدست میآید .

مثال ترکیب ۴هجائی و ۵ هجائی : (ر : نه‌هجائی به‌نسبت ٤و٥ یا ٥و ٤)

» » ٤ و ٦ **هجائی** : (ر : ده‌هجائی به‌نسبت ٤و٦ یا ٦و٤)

» » ٤ و ٧ » : (ر : یازده هجائی به‌نسبت ٤و ٧ یا ٧و٤)

» » ٥ و ٦ » : (ر : یازده هجائی به‌نسبت ٥و ٦ یا ٦و٥)

» » ٥ و ٧ » : (ر : دوازده هجائی به‌نسبت ٥و٧ یا ٧و٥)

» » ٥ و ٨ » : (ر : سیزده هجائی به‌نسبت ٥و٨ یا ٨و٥)

» » ٦ و ٧ » : (ر : سیزده هجائی به‌نسبت ٦و٧ یا ٧و٦)

» » ٧ و ٨ » : (ر : پانزده هجائی به‌نسبت ٧و٨) و این ترانه که به نسبت ٨ و٧ است:

خراسانی : مومگم چاروارهٔ زین کن تومکی اوش‌مدم

مومگم ظرفشه اوکن تومگی جوش‌مدم

ترکیب ۷ و ۹ ـ (رجوع شود به صفحه ۸۹ نمدونم چکار..)

تذکر ـ کلیهٔ قواعدیکه برای پیدایش اوزان ذکر شد در مواردی صادق است که نتیجهٔ حاصل آن از چهار هجائی کمتر و از شانزده هجائی بیشتر نباشد ـ و شرط عمده در ترکیب ترانه‌ها اینستکه ما بین قسمت آخر دو شطر توازن لازم موجود باشد تا ترکیب از صورت وزن خارج نشود

مطلب دیگری که در اینجا باید یادآور شوم اینکه گاهی در بعضی اوزان از هشت هجائی بالا در نظر اول همچو تصور میرود که فاصلهٔ بین دو شطر ازسه‌هجا بیشتر است ولی اگر توجه شود می‌بینیم که این قبیل اوزان در خواندن دارای دو وقفه میباشند و در واقع یکوزن اصلی هستند که تمام یا قسمتی از شطر آن در اول یا آخر یا وسط تکرار شده مانندابن‌ترانهٔ ۱۱ هجائی که‌درجنوب‌بدینشکل‌خوانده‌میشود:

سرم بالا کنم مهتاب بینم « فلک ایداد »
مگر مثل شما درخواب بینم « فلک ایداد »

در ترانهٔ فوق شطر چهار هجائی اول در آخر تکرار شده

یا این ۱۱ هجائی که در شمال بشکل زیر خوانده میشود :

ستاری آسمون «ری آسمون » نقش‌زمینه خودم انگشترو « انگشترو » یارم نگینه

و قسمتی از شطر اول دروسط تکرار شده. یا این ترانهٔ جنوبی :

از آن بالا میی لنگر نداری گلمی آی گلم
مگر عشق مرا بر سر نداری گلمی آی گلم

که شطر اول در آخر تکرار شده و از این قبیل ترانها در نقط جنوبی و شمالی ایران بسیار میتوان یافت و چون‌دروزن دارای‌دو وقفهٔ بارزند نمیشود آنها را جزء ترانه‌های اصلی یا فرعی بشمار آورد و بهمین جهت ما آنها را اوزان مختلط نامیدیم که ممکن است از ۱۶ هجا نیز متجاوز شود

ب ـ قسمت دوم خلاصه و تتمیم :

در پایان این بخش بطور خلاصه نتائجی را که از بررسی و دقت‌در اوزان‌ترانهای محلی بدست آمده یادآور میشویم :

۱ ـ ترانهای‌ایرانی مبنای وزنشان بر تساوی هجاوتساوی وتوازن‌تکیه‌ها است و برای این منظور تا حدودیکه توازن ایجاب میکند کمیت هجا نیز رعایت میشود

۲ ـ چون فاصلهٔ میان دو تکیه در ترانها از دو هجا زیادتر نیست ناچار در وزن آنها پایهٔ از سه هجائی بلندتر وجود ندارد و بنا بر این **پایها محصور است به یکهجائی و دو هجا و سه هجائی**

۳ ـ **تکیه در روی هجای آخر پایه واقع میشود** و بنا بر این در وزن یکترانه بشمارهٔ تکیه‌های آن پایه موجود است

۴ ـ اگر از مجموع هجای سه پایهٔ یکهجائی و دو هجائی و سه هجائی معدل بگیریم **حد وسط هجا برای یکپایه دو است** یعنی $۲ = \frac{۱+۲+۳}{۳}$ و بنا بر این برای یك تکیه نیز حد وسط دو هجا لازم است

۵ ـ **در اثنای مصراع هر ترانه یکوقفهٔ بارز موجود است که ترانه را بدو قسمت تقسیم مینماند و هر قسمت را یکشطر مینامیم** بنا براین هر مصراع ترانه دارای دو شطر است (مگر در ترانهای مختلط که دارای دو وقفهٔ بارزند)

۶ ـ **در ترانهای زوج یا دو شطر باهم مساوی میباشند و یا یکشطر دو هجا بر دیگری علاوه دارد و در ترانهای فرد پیوسته تفاوت بین دو شطر یك یا سه هجا خواهد بود**

۷ ـ شطر ترانه از یکهجا شروع شده و بهشت هجا ختم میشود، **شطر کوتاه در ترانها محصور است میان ۱ تا ۶ هجا و شطر بلند محصور است میان ۳ تا ۸ هجا**

۸ ـ **ترانهای ایرانی از ۴ هجائی شروع شده و به ۱۶ هجائی ختم میشود. ـ از ۴ تا ۱۳ هجائیرا ترانهای اصلی و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ هجائیرا بعلت عدم رواج کامل فرعی نامیده‌ایم**

حد وسط ترانها از حیث هجا عبارتند **از ۸ و ۱۰ و ۱۲ هجائی و به تبع آنها هفت هجائی و ۱۱ هجائی نیز رواج دارند**

۹ ـ در هر ترانه‌ای دو نوع تکیه موجود است: قوی و ضعیف که به تناوب دنبال هم قرار میگیرند و غالباً ترانها به تکیهٔ قوی شروع میشوندومحل این تکیه هادر دو مصراع متقابل ثابت بوده و دارای یك وضعیت میباشند و تا حدودیکه بوزن خلل وارد

نیاورد محل تکیهٔ اول شطر را میتوان تغییر داد

۱۰ - در ترانها از ۳ تا ۸ تکیه میتواند وجود داشته باشد، اگرشمارهٔ تکیه (یا پایه) زوج باشددر دو شطر بطور مساوی توزیع میشوند و یاایکشطر دوتکیه علاوه بر شطر دیگر دارد

و اگر شمارهٔ تکیه فرد باشد پیوسته یکشطر یك تکیه علاوه بر شطر دیگر خواهد داشت .

۱۱- تعداد تکیه (یا پایه) درترانهای زوج معمولا مساوی است باخارج‌قسمت شمارهٔ هجای آن بر حد وسط یك پایه (یعنی $\frac{ه}{۲}$ = ت) و یا خارج قسمتی که‌پس از وضع **۲** از مجموع هجا (بطریق مذکور) حاصل‌شود (یعنی $\frac{۲-ه}{۲}$ = ت)ویا خارج قسمتی که پس از اضافه ۲ بر مجموع هجا بدست آید (یعنی $\frac{۲+ه}{۲}$ = ت) واین‌حالت اخیر زیاد معمول نیست .

و در ترانهای‌فردشمارهٔ‌تکیه(یاپایه) مساوی‌است با خارج قسمت هجا پس از وضع ۱ یا اضافه ۱ بر حد وسط پایه (یعنی $\frac{۱-ه}{۲}$ = ت) یا($\frac{۲+ه}{۲}$ = ت)

حد وسط تکیه در ترانها ۴ و ۵ و ۶ میباشد

۱۲ - چون رعایت کمیت هجا تا حدی لازم است که توازن تکیه ها مختل نشود تغییرات زیر در ترانها مجاز شمرده میشود :

۱) ممکن است حرف اول پایهٔ سه هجائی در دو مصراع متقابل یکی نباشند(یعنی ـ ـ ـ̆ و ـ ـ ـ̆ یا ـ ـ ـ̆ و ـ ـ ـ̆) **در برابر هم واقع شوند**

۲) ممکن است حرف اول پایهٔ دو هجائی در دو مصراع متقابل یکی نباشد **یعنی** (ـ ـ̆ **در مقابل** ـ ـ̆) **واقع شود**

۳) ممکن است در یکمصراع یك حرف (در اول شطر اول یا شطر دوم) علاوه بر مصراع دیگر باشد

۴) ممکن است پایهٔ « ـ ـ̆ »**در مقابل** «ـ ـ ـ̆ »واقع شود

۵) ممکن است دو حرف اول دو مصراع تغییر یا تبدیل یابند (**یعنی دو پایه ـ ـ ـ ـ در برابر ـ ـ ـ ـ یا ـ ـ ـ ـ**) واقع‌شوند وازاینجا باین‌نتیجه میرسیم که محل‌تکیهٔ اول ـ در دو مصراع متقابل‌ممکن است تغییر پیدا کند یعنی یک‌هجا جلو یا عقب برود و این امر چندان تأثیری در وزن نخواهد داشت مانند ترانهٔ زیر:

تهرانی نخود چیا تموم شد = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

گربه زن عموم شد = ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ ـ

۱۳ -وزنی را میتوان بیکی از طرق زیر بوزن دیگرتبدیل کرد : **تغییر محل تکیه ـ کسر یا اضافهٔ تکیه ـ تغییر محل دو شطر ـ نقل یکهجا از اول بآخر یا آخر باول ـ حذف یا اضافهٔ یکهجا باول یا آخر، ـ حذف یا اضافهٔ یك تکیه باول یا آخر ـ اضافه یا کسر ما به التفاوت دو شطر ـ تکرار شطر ۳و۳و۴ هجائی در اول یا آخر ـ تکرار یکوزن ـ ترکیب دو وزن**

۱۴ ـ هر شکلی از دو شکل ترانه بشکل دیگرش قابل تبدیل است یعنی میتوان بوسیلهٔ آهنك خواندن محل وقفه‌را در ترانه‌ای در حدود دوشکل آن پس‌و پیش برد و بهمین جهت یکترانه در نقاط مختلف بصورتهای مختلف‌خوانده میشود .

۱۵ ـ مقرراتی که در ترانها گفته شد عمومی وشامل تمام ترانهای موجود است این مقررات چنانکه در بخشهای آینده‌خواهیم گفت تا حد زیادی دراوزان شعر پارسی موثر واقع شده و تقریباً میتوان ادعا کرد اوزانیرا که پارسیان برای‌شعر پارسی انتخاب کرده‌اند تابع قواعد اوزانی است که در ترانهای هجائی محلی بکار رفته وتنها آنچه ازعروض عرب اقتباس شده رعایت کامل کمیت هجا است که درترانهای زیاد معمول نیست .